

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیه السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام
گردیده است

همسر دوست داشتنی

نویسنده: مهدی خدامیان آرانی.

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیا شما برای بهتر زندگی کردن، برنامه‌ای دارید؟ آیا می‌دانید چگونه می‌توانید محیط خانه خود را از عشق و صمیمیت پر کنید؟
آیا تا به حال، به این نتیجه رسیده‌اید که همه ما نیازمند آموزش در زمینه زندگی زناشویی هستیم؟

خواهرم !

آیا اتاق تنهایی شوهر خود را می‌شناسید؟ هنگامی که شریک زندگیتان از شما فاصله می‌گیرد به چه فکر می‌کنید؟
آیا خواهان کمال معنوی هستید؟ آیا می‌خواهید خدا به شما نظر مرحمت بکند؟ آیا دوست دارید ثواب هزار شهید را داشته باشید؟
برادرم !

آیا می‌دانید همسر شما چگونه به شما امتیاز می‌دهد؟ آیا می‌دانید که شریک زندگی شما نیاز به سخن گفتن دارد؟ وقتی همسر شما در حالت یأس قرار می‌گیرد چه می‌کنید؟ آیا خیر دنیا و آخرت را می‌خواهید؟
این کتاب را برای همه مردان و زنانی نوشته‌ام که می‌خواهند در زندگی زناشویی خویش شاهد عشق و صمیمیت بیشتری باشند.
من تلاش کرده‌ام که با نگاهی نو به آموزه‌های دینی در شناخت بهتر زندگی زناشویی به شما کمکی کرده باشم.

این کتاب در دو فصل تنظیم شده است، آقایان با خواندن فصل اوّل، می‌توانند مرد بهتری برای همسرشان باشند و همچنین خانم‌ها با خواندن فصل دوم می‌توانند زن بهتری برای شوهرشان باشند.

البته از همه برادران و خواهرانم می‌خواهم که هر دو فصل کتاب را بخوانند زیرا فقط در این صورت است که به علّت نوشتن این کتاب پی‌می‌برید.

این کتاب را به همسر خوب خود، اهدا می‌کنم زیرا که او برای موفقیت من فداکاری بسیاری نموده است.

مهدی خدّامیان آرانی

قم، خرداد 1386

فصل اول: بهترین مرد دنیا

من دیگر «خسته نباشید» نمی‌گویم !
صبح شده است و باید هر چه زودتر به محل کار خود بروی.
با خانواده خود خداحافظی می‌کنی و سوار تاکسی می‌شوی.
به راننده سلام می‌کنی و به او می‌گویی: خسته نباشید !
و وقتی که به اداره خود می‌رسی با همکارانت رو برو می‌شوی به آنان سلام کرده و دست می‌دهی و باز می‌گویی: خسته نباشید !
ما عادت کرده‌ایم به هر کسی که به کاری مشغول است، «خسته نباشید» می‌گوییم.
این کار پسندیده‌ای است که ما احساسات خوب خود را نسبت به دیگران به زبان آوریم.
ولی من به راننده و همکار و دیگران، «خسته نباشید» نمی‌گویم !
حتما تعجب می‌کنی !
من به جای «خسته نباشید» چنین می‌گویم: «عبادت قبول !»
شاید بگویی که چرا داخل تاکسی و اداره را با مسجد و محراب اشتباه گرفته‌ای؟
آری، حق داری که چنین بگویی !
از آن زمانی که ما عبادت را فقط نماز و روزه دانستیم، از آن زمانی که از دین واقعی دور شدیم، از آن زمانی که عرفان و معنویت را فقط در گوشه خلوت و انزوا جستجو کردیم، دیگر از کمال و سعادت راستین فاصله گرفتیم و از اسلام واقعی دور شدیم.

اگر شما در حال کار کردن هستید من با صدای بلند به شما می‌گویم:
ای رزمنده راه خدا!
ای مجاهد!

تو داری در راه خدا جهاد می‌کنی!

آیا شنیده‌ای که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر آن کس که برای مهیا کردن مخارج خانواده خود تلاش کند همانند رزمندگان می‌باشد و خدا همان ثوابی را به او می‌دهد که به رزمندگان می‌دهد».¹
مگر نمی‌دانی که یک روز جهاد در راه خدا بالاتر از چهل سال عبادت است.²

هر روزی که برای خوشبختی همسر و فرزندان به سر کار می‌روی و عرق می‌ریزی، به اندازه چهل سال عبادت به خدا نزدیک شده‌ای.
برادرم!

اگر خداوند بر شما واجب کرده است که برای خرج زن و بچه خود تلاش کنی، باید بدانی که خدا برای این کار تو ثواب بزرگی قرار داده است.
آری، خداوند می‌داند که تو با عشق به سعادت خانواده‌ات تلاش می‌کنی، پس همان ثوابی را که به رزمندگان حقیقی می‌دهد به تو هم عنایت می‌کند.
حالا که این را دانستی از تو خواهشی دارم:

هر وقت که به سوی خانه باز می‌گردی این نکته را به خود یاد آوری کن که تو با خدا معامله کرده‌ای و خدا در مقابل یک روز کار کردن، ثواب چهل سال عبادت به شما داده است!

پس حواست جمع باشد مبدا عبادت خود را خراب کنی!

حالا که می‌خواهی وارد خانه شوی مبادا خستگی خود را به رخ زن و بچه‌ات بکشی !

همسرت منتظر توست !

باید با روی گشاده وارد خانه شوی، اکنون از عبادت‌گاه چهل ساله می‌آیی، از مهمانی خدا می‌آیی !

چهل سال، عبادت، روح شما را با صفا کرده است و اکنون به خدا نزدیک‌تر شده‌ای !

آیا باور کرده‌ای که با کوله‌باری از چهل سال عبادت می‌خواهی وارد خانه شوی؟

حالا می‌خواهم مقداری فکر کنی !

اگر خدای ناکرده سختی کار خود را به رخ همسرت بکشی غیر از اینکه او را آزرده می‌کنی عبادت خود را هم از بین می‌بری !

اکنون نزدیک درِ خانه یک لحظه بایست، و لبخندی بر لب‌های خود بنشان ! یار مهربانت، همسر عزیزت چشم به راه توست، او محتاج لبخند توست، این بهترین هدیه تو به اوست.

آیا خواهی ثواب حج و عمره به تو بدهند؟

وقتی به مکه برای زیارت خانه خدا می‌روی مهمان خدا می‌شوی و چون با لباس احرام بر دور کعبه طواف می‌کنی قلب خویش را صفا می‌دهی و پاکِ پاک می‌شوی.

آیا می‌دانی که پیامبر ﷺ ارزش یک سفر عمره را بالاتر از دنیا و هر آنچه در دنیا است می‌داند و آن را مایه پاک شدن از همه گناهان معرفی می‌کند.³ حتماً می‌گویی: معلوم نیست چه موقعی خداوند توفیق آن دهد که به مکه سفر کنم.

آیا دوست داری تا من کاری را یاد شما بدهم که ثواب حج و عمره داشته باشد؟

پیشنهاد من زیاد سخت نیست و داخل خانه خودت می‌توانی آن را انجام بدهی!

لازم نیست جایی بروی، همین الآن می‌توانی به ثواب حج و عمره برسی! حتماً مایل شدی بدانی که آن چه کاری است.

برادرم!

یک لحظه کتاب را کنار بگذار و نگاهی به اطراف خود بینداز!

جارو برقی به تو چشمک می‌زند!

از تو می‌خواهم تا خانه را جارو کنی!

من از تو می‌خواهم حساب کنی وقتی خانه را جارو می‌کنی چند قدم بر می‌داری!

حتما می‌گویی: آقای نویسنده، ما جارو کردن را به خاطر این که دلت نشکند قبول کردیم، دیگر دست بردار، چه کسی حوصله دارد حساب کند که برای جارو کردن اتاق چند قدم بر می‌دارد؟

شما نمی‌دانی که من می‌خواهم بدانم خداوند به شما ثواب چند حج و عمره می‌دهد؟

پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس که به خانواده خود خدمت کند به عدد هر قدمی که بر می‌دارد، خداوند به او ثواب حج و عمره می‌دهد».⁴

می‌بینم که با عشق طواف کعبه، خانه را جارو می‌کنی!

به راستی ما چه دین کاملی داریم و خودمان خبر نداریم!

افسوس که ما را سرگرم کردند تا نفهمیم پیرو چه دینی و آیینی هستیم!

تو را به خدا، انصاف بده آیا با عمل کردن به همین یک حدیث، زندگی‌های ما شیرین‌تر نمی‌شود؟

آیا مشتاق هستی خاطره‌ای از زندگی حضرت علی علیه السلام برای نقل کنم.

مگر همه ما حضرت علی علیه السلام را الگوی خود قرار نداده‌ایم؟

ولی متأسفانه فقط به گوشه‌هایی از زندگی آن حضرت توجه کرده‌ایم و هرگز به تمام زندگی آن حضرت دقت نکرده‌ایم.

یک روز رسول خدا ﷺ تصمیم گرفت که به خانه حضرت زهرا علیها السلام برود و از دختر خود دیداری داشته باشد.

وقتی پیامبر وارد خانه شد با چه منظره‌ای روبرو شد؟

او دید که حضرت علی علیه السلام کنار حضرت زهرا علیها السلام نشسته و با هم دارند با آسیاب دستی، گندم آسیاب می‌کنند.⁵

آن زمان که نانوايي وجود نداشت و زنان مدینه با آسیاب دستی گندم را آسیاب می‌کردند و نان می‌پختند و این کار مخصوص زنان خانه‌دار بود. حضرت علی علیه السلام را نگاه کن که چگونه در کارهای خانه، همسر خود را کمک می‌کند! من و تو هم اگر حضرت علی علیه السلام را الگو قرار داده‌ایم بایستی در کارهای خانه همسر خود را کمک کنیم تا مهر و صمیمیت در خانه ما موج بزند. آری، حضرت علی علیه السلام این چنین درس محبت و صفا را به شیعیانش می‌آموزد و درود خدا بر مردانی که آیین همسرداری را از امام مهربان خویش فرا گرفتند.

خدایا، خیر دنیا و آخرت را به من بده!

یادت هست که چگونه عشق زیارت امام رضا علیه السلام تو را به مشهد کشاند. و چون به مشهد رسیدی غسل زیارت نمودی و وضو ساخته و آرام آرام به سوی حرم حرکت کردی. وارد صحن و سرای با صفای امام رضا علیه السلام شدی و با نهایت ادب و تواضع پیش رفتی تا روبروی ضریح رسیدی و شروع به خواند زیارتنامه کردی: «السلام علیک یا ولی الله».

شاید به خاطر داری که در این زیارت نامه از خدا چه خواستی. تو از آنانی نیستی که طوطی وار، دعایی را می‌خوانند و نمی‌فهمند که چه گفتند!

کاش همه ما وقتی دعاها را می‌خواندیم در معنای آن هم دقت می‌کردیم که چه می‌گوییم و از خدا چه می‌خواهیم.

به هر حال در آن زیارتنامه این چنین گفتی: «بار خدایا، خیر دنیا و آخرت
به من کرم بفرما».⁶

این خواسته تو بود که در هنگام زیارت امام رضا علیه السلام از خداوند طلب
کردی.

سفر به پایان می‌رسد و تو به شهر و دیار خود باز می‌گردی!
حالا که این کتاب را می‌خوانی از تو سوال می‌کنم:
آیا آن دعای تو مستجاب شد؟ نشانه آن چیست؟
شاید بگویی که توفیق اعمال نیک بیشتری پیدا کرده‌ام.
ولی متأسفانه این جواب تو درست نیست.
اگر بگویی که توجّه من به نماز و عبادتم بیشتر شده است.
من می‌گویم که این جواب هم صحیح نیست.
می‌گویی که بعد از آن که از مشهد آمدم رسیدگی من به فقرا بیشتر شده است.
ولی این هم جواب صحیح نیست.

آیا می‌خواهی بدانی که نشانه مستجاب شدن آن دعای مهم چیست؟
این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که وقتی خداوند بخواهد به کسی خیر دنیا و
آخرت را بدهد به او توفیق خدمت به خانواده‌اش را می‌دهد.⁷

وقتی که از مشهد باز گشتی اگر در خانه به همسر خود بیشتر کمک کردی،
معلوم است که آن دعای تو در حرم امام رضا علیه السلام مستجاب شده است.

همسر عزیزم، دوستت دارم !

وقتی یک گلستان زیبا را خریداری می‌کنی و به خانه می‌آوری، آیا آن گلستان را به حال خود رها می‌کنی؟

نه، بلکه هر روز از آن گلستان مواظبت می‌کنی و مرتب آن را آب می‌دهی، زیرا اگر به گلستان خود آب ندهی بعد از مدتی پژمرده می‌شود. پس چرا بهترین گل زندگی خود را فراموش کرده‌ای؟ همسرت را می‌گویم.

یادت هست با چه عشقی به خواستگاری او رفتی ! آری، بهترین لحظه‌ها برای تو لحظه‌ای بود که او قدم به خانه تو گذاشت و شما زندگی مشترک را با هم شروع کردید. چرا چند روزی است از این گل زندگی خود غافل شده‌ای؟ اگر می‌بینی که زندگیت دیگر آن صفا را ندارد برای این است که خودت از گل زندگیت غفلت کردی ! آیا می‌خواهی جبران گذشته را بکنی و دوباره زندگیت پر از عشق و محبت شود؟

من یک دستور ساده برای‌ت دارم. اگر به من قول بدهی که این دستور را عمل کنی به زودی دوباره قلب تو از عطر عشق و محبت، مدهوش خواهد شد. البته از شما چه پنهان، که این دستور از من نیست ! این دستور از پیامبر مهربان ماست. پس گوش فرا ده !

آن حضرت فرمود: «وقتی مرد به همسر خود بگوید «دوستت دارم»، این سخن هیچ‌گاه از قلب همسرش بیرون نمی‌رود».⁸

همین‌الآن کتاب را ببند و این جمله پیامبر را به همسر خود بگو! یادم نمی‌رود که در مجلسی، از آقایانی که آنجا بودند خواستم که این دستور را انجام دهند.

یک نفر از عقب جمعیت به من رو کرد و گفت: آقا، این حرف‌ها چیست که برای مردم می‌گویی! تو باید برای ما حدیث بخوانی!

وقتی به او گفتم که این سخن رسول خداست، با شرمندگی سرش را پایین انداخت.

بارها پیش آمده است که وقتی این حدیث را برای مردم می‌خوانم می‌بینم که در غمی بزرگ فرو می‌روند.

غم این‌که چرا زودتر این دستور پیامبر ﷺ را نشنیده‌اند؟ آری، سالیان زیادی از زندگی آن‌ها گذشته ولی اکنون با این دستور آشنا می‌شوند.

اجازه می‌دهی من از تو خواهشی بکنم! من از شما می‌خواهم هر وقت تازه دامادی را دیدی، این حدیث را به او هدیه کنی!

ای کاش ما اسلام را فقط در نماز و روزه خلاصه نمی‌کردیم! آیا می‌شود آن روزی بیاید که همه ما جمله «همسرم! دوستت دارم» را هم به عنوان یک برنامه دینی خود بدانیم.

آیامی دانید که هر زنی نیاز دارد که حداقل روزی سه بار این جمله را بشنود؟

پس هیچ‌گاه این جمله سحرآمیز و جادویی را از همسرت دریغ مکن !

دوستت دارم !

دوستت دارم !

دوستت دارم !

و این را باور کن که هیچ‌گاه همسرت از شنیدن این جمله خسته نمی‌شود.
هر بار که به همسرت از صمیم دل می‌گویی: «دوستت دارم»، قلب او را از عشق لبریز می‌کنی و روحیه او را شاداب می‌سازی.

آیا تا به حال در مسجد پیامبر اعتکاف کرده‌ای ؟

چند سالی است که مراسم اعتکاف در جامعه ما رواج پیدا کرده است و در روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب، گروه گروه مردم به مساجد رفته و معتکف می‌شوند.

برای اعتکاف باید سه روز روزه بگیری، و در مسجد بمانی و مشغول عبادت باشی.

اگر بتوانی در مسجد پیامبر ﷺ در مدینه باشی خیلی خوب است و ثواب بسیار زیادی دارد.

فکر کن! اگر بخواهی در مسجد پیامبر معتکف شوی باید صبر کنی تا خدا توفیق سفر به مدینه را به تو بدهد.

آیا می‌خواهی کاری را یاد شما بدهم که ثواب اعتکاف در مسجد پیامبر را داشته باشد؟

این کار زحمت زیادی ندارد و همیشه می‌توانی آن را انجام دهی !
پیامبر اسلام فرمود: «نشستن مرد نزد همسر خویش، نزد خدا بهتر از اعتکاف
در مسجد من است».⁹

به راستی که دین و آیین ما چه دین کاملی است؟
در کدام مکتب می‌توانی ارزش نشستن پیش همسر را این قدر بالا بیاپی !
در کجا می‌توانی چنین عزّتی را که اسلام به شما داده است، بیابید !
در کجای دنیا به زن این همه احترام و ارزش داده شده است که نشستن کنار
او، برای شوهرش ثواب اعتکاف داشته باشد !
و افسوس و صد افسوس که ما چقدر از دین واقعی فاصله گرفته‌ایم.
همین سال گذشته، مرد جوانی را دیدم که همسر بیمار خود را در خانه رها
کرده بود و به عشق اعتکاف، به مسجد آمده بود.
من به او گفتم که وظیفه تو در حال حاضر، رسیدگی به همسر بیمار است،
اما او که به تازگی به «عرفان» رو کرده بود، می‌گفت که من باید به خدا برسم و
از غیر او جدا شوم !

آخر تا به کی جوانان ما باید به خاطر عدم فهم دین به بیراهه بروند؟
اگر همه مردان جامعه ما به همین یک دستور پیامبر عمل می‌کردند و هر
روز، ساعتی در کنار همسر خود می‌نشستند و سخن دل او را می‌شنیدند و به
احساسات و عواطف او گوش می‌کردند، آیا ما دیگر در خانواده‌ها این همه
مشکل می‌داشتیم؟

آیا دیگر این همه زنان افسرده در جامعه ما یافت می‌شد؟

آری، مردی که یاد گرفته است هر روز مقداری از وقت خود را صرف همسرش کند و سخن او را بشنود نه تنها به ثواب بزرگی دست یافته بلکه قلب همسر خویش را برای همیشه تسخیر کرده است.

آیا می‌دانید چگونه می‌توانید درب طلاق را بر روی زندگی خود ببندید؟
با همین سخن گفتن با یکدیگر!

اگر همه مردان و زنان جامعه ما، روزی بیست دقیقه با هم سخن می‌گفتند و به سخنان یکدیگر به دقت گوش می‌کردند اختلافات آنها حل می‌شد.

هدیه دادن را فراموش نکن!

آیا می‌دانی که همسر شما انتظار دارد تمام عشقی را که به او دارید به وسیله‌ای برای او ثابت کنید؟

آری، شما باید عشق و محبتی را که در قلب خود نسبت به همسر خود دارید هر روز به زبان آورید.

خرید هدیه‌های کوچک و تقدیم کردن آن، می‌تواند همسر شما را بسیار خوشحال کند.

وقتی به همسر خود هدیه می‌دهی او احساس با ارزش بودن می‌کند و همین کار باعث می‌شود که میان شما محبت و صمیمیت بیشتری به وجود آید.

رسول خدا ﷺ فرمود: «به یکدیگر هدیه بدهید که موجب محبت می‌شود و کینه را از دل می‌برد».¹⁰

تو با هدیه دادن به همسرت می‌توانی محبت او را به سوی خود جذب کنی و در آن موقع زندگی مشترک شما شیرین تر می‌شود.

همین امروز هدیه‌ای برای او خریداری کن و همراه با این یادداشت تقدیم همسرت کن:

«تقدیم به همسر مهربانم، تو بهترین انتخاب زندگیم هستی!».

تو نمی‌دانی که این نوشته تو برای همسرت چقدر باارزش است و خدا می‌داند که آنرا چند بار می‌خواند.

سعی کن که حتماً هدیه را با کادویی زیبا، بسته بندی کنی چرا که خانم‌ها هدیه‌ای را که کادو شده باشد خیلی بیشتر دوست دارند.

آیا می‌خواهید نزد همسران به عنوان یک مرد استثنایی و فوق العاده جلوه کنید؟

یک هدیه خوب مثل لباس زیبا را برای او بخرید و آن را در بسته‌ای کوچک بپیچید و در جایی از آشپزخانه و یا کمد لباس همسر خود مخفی کنید.

البته یک یادداشت زیبا هم بر روی آن بگذارید.

وقتی که همسران این هدیه را پیدا می‌کند شما برایش شوهری فوق العاده جلوه می‌کنید.

دوستِ خوب من!

یادت باشد اگر سفر رفتی حتماً برای همسرت هدیه خریداری کنی.

این دستور پیامبر است: «وقتی یکی از شما به مسافرت رفت موقع بازگشت

برای خانواده خود، هدیه‌ای تهیه کند، حتی اگر آن هدیه، قطعه سنگی باشد».¹¹

آری، وقتی از سفر بر می‌گردد در حالی که هدیه‌ای برای همسرت در دست

داری، این پیام را به همسر خود می‌رسانی که من در روزهای دوری از تو،

همیشه به فکر تو بودم، من هرگز تو را فراموش نکردم.

و این پیام است که برای همسر تو بسیار با ارزش است و به او آرامش می‌دهد.

همیشه تلاش کن تا همسرت در زندگی احساس کند که به یاد او هستی و او را دوست داری و هدیه دادن بهترین راه برای این کار می‌باشد.

با لبخند می‌توانی بلا را از خود دور کنی ؟

همه ما عادت کرده‌ایم که برای رفع بلا، صدقه بدهیم،
حتماً این حدیث را شنیده‌ای که صدقه، مرگ ناگهانی را دور می‌سازد.
نزدیک عید که می‌شود تلویزیون تبلیغات زیادی انجام می‌دهد و ما را تشویق می‌کند تا در جشن نیکوکاری شرکت کنیم و با دادن صدقه، به کمک خانواده‌های بی بضاعت بشتابیم.

این کار بسیار خوبی است و باعث خوشحالی دل‌های زیادی می‌شود.
اگر کسی به خاطر گناه و معصیت، مورد غضب خدا واقع شده باشد، می‌تواند با صدقه دادن غضب خدا را خاموش کند.¹²
آری، صدقه، هفتاد درِ بلا و گرفتاری را بر روی انسان می‌بندد و مرگ ناگهانی را از انسان دور می‌کند.¹³

آیا شنیده‌ای که صدقه، روزی را زیاد می‌کند؟
رسول خدا فرمود: «زیاد صدقه بدهید که روزی شما با صدقه دادن، زیاد می‌شود».¹⁴

آری، صدقه باعث می‌شود تا برکت زندگی شما زیاد شود.¹⁵
برادر محترم !

من می‌خواهم در این جا صدقه جالبی به شما یاد بدهم !

آیا می‌دانید که لبخند شما به روی همسرتان، نزد خداوند به عنوان یک صدقه، حساب می‌شود؟

تعجب نکن !

آری، لبخند، یک نوع صدقه می‌باشد !

این سخن از رسول خدا ﷺ است که لبخند، صدقه است.¹⁶

اکنون تصمیم بگیر که به روی همه دوستان خود لبخند بزنی !

آیا فکر کرده‌ای اگر جامعه ما به همین دستور ساده، عمل می‌کردند ما چه جامعه شادابی داشتیم.

افسوس که ما بیشتر، جنبه‌های غم را بزرگ نمایی کرده‌ایم !

ما عادت داریم صبح که از خواب بر می‌خیزیم و آماده می‌شویم تا از خانه بیرون برویم، مقداری پول داخل صندوق صدقه بریزیم ، اما فراموش می‌کنیم که به روی همسر خود لبخند بزنیم !

چرا ما صدقه را فقط در پول به صندوق انداختن، خلاصه کرده‌ایم.

ای کاش صدا و سیمای ما، مقداری هم در مورد صدقه لبخند، سخن می‌گفت.

چرا ما همه خوبی‌ها را برای غریبه‌ها به کار می‌بریم !

ما برای آن کودک بیچاره که صدها کیلومتر از ما فاصله دارد هدیه می‌دهیم،

ولی عزیزترین فرد زندگی خود را از یک لبخند هم محروم می‌کنیم !

آیا می‌دانی وقتی که وارد خانه می‌شوی هیچ چیز برای همسر شما، دلنشین‌تر

از این نیست که با چهره‌ای رو برو شود که گل لبخند به لب دارد؟

چرا همسر خود را از این نعمت محروم می‌کنی؟

از امروز تصمیم بگیر هر وقت وارد خانه می‌شوی لبخند بزنی و بدان که این کار تو نزد خدا به عنوان صدقه حساب می‌شود و عمر تو را زیاد می‌کند و باعث می‌شود که برکت زندگیت زیاد شود.

آری، صدقه به عنوان بهترین داروی دردها معرفی شده است، دارویی که بیمارها را شفا می‌دهد.¹⁷

حال اگر تو دچار افسردگی شده‌ای به جای اینکه این همه، قرص و دارو مصرف کنی و اثری هم نبینی و بدن خودت را با این مواد شیمیایی مسموم کنی، بیا و این دستور را عمل کن.

هر گاه که با همسر خویش روبرو شدی، گل لبخند را به او هدیه کن !
آن وقت ببین که زندگی تو چقدر با صفا می‌شود و همه آشنایان، حسرتِ صفای زندگی تو را خواهند خورد.

برادرم !

چه شده است که شما وقتی با دوستان خود روبرو می‌شوی به روی آنها لبخند می‌زنی، اما چون به خانه می‌آیی فقط خستگی را به خانه می‌آوری؟
بیا با خود عهدی ببند !

از امروز به بعد هر وقت خواستی وارد خانه شوی، یک لحظه نزدیکِ درِ خانه بایست !

با خود بگو: من به مهمترین بخش زندگی خود وارد می‌شوم !
و گل لبخند را به صورت خود بنشان و وارد خانه شو !
آیا همان قدر که به کار و کاسبی اهمیت می‌دهی به روحیه همسر و خانواده خود اهمیت می‌دهی؟

بنشین فکر کن، خودت را جای همسرت بگذار !

آیا تو دوست داری که وقتی وارد خانه می‌شوی همسرت با اخم با تو برخورد کند؟

پس آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای همسرت نیز نپسند!

چگونه رسول خدا ﷺ را شاد سازم؟

من یک روز از خدا سؤال کردم:

ای خدای بزرگ!

چه کاری را بیش از همه کارها دوست داری؟

آخر من می‌خواستم آن کار مهم را هر طور شده، انجام دهم.

و در انتظار جواب ماندم.

و بعد از مدتی چشم‌انتظاری، جواب سؤال من آمد.

شاید بگویی: خوب معلوم است جواب این سؤال، نماز بود، چرا که نماز

ستون دین است و خدا نماز را بیش از همه چیز دوست دارد، ولی جواب من

این نبود.

آیا شما می‌دانید من چگونه به جواب خود رسیدم.

به سخنی از پیامبر برخورد کردم که فرمود: «بهترین اعمال نزد خدا،

خوشحال نمودن یک مسلمان است».¹⁸

و به راستی چه مسلمانی بیش از همسر ما شایسته خوشحال نمودن است؟

وقتی که تو تصمیم می‌گیری تا همسر خود را خوشحال سازی، بدان تو کاری

انجام می‌دهی که خدا خیلی آن را دوست دارد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «هیچ عبادتی همانند این نیست که قلب مؤمنی را شاد

نمایی».¹⁹

آیا فراموش کرده‌ای که همسر تو از اهل ایمان است، پس بدان اگر او را خوشحال کنی رسول خدا را خوشحال کرده‌ای !
مگر این سخن رسول خدا را نشنیده‌ای که فرمود: «هر کس یک مؤمن را خوشحال کند مرا خوشحال نموده است».²⁰
برادرم !

اکنون برخیز و با این اعتقاد که خوشحال نمودن همسر مؤمنت، باعث خوشحالی رسول خدا ﷺ می‌شود کاری انجام بده تا او شاد شود.
کاری هر چند کوچک، اما این کار را با عشقی بزرگ انجام بده !
دوست من !

اگر همه زوج‌های جامعه ما این گونه فکر می‌کردند زندگی‌ها، چقدر زیباتر می‌شد !

خیلی دلم می‌خواهد به این سخن امام صادق علیه السلام گوش فرا دهی که فرمود:
«وقتی که یکی از شما، مؤمنی را خوشحال می‌کند فکر نکند که فقط او را خوشحال کرده است، به خدا قسم ما را هم خوشحال نموده است».²¹

ای کسی که عشق امام زمان علیه السلام به دل داری؟
آیا می‌خواهی امام زمان علیه السلام را خوشحال کنی !
بهترین راه خوشحالی امام زمان علیه السلام، این است که همسر مؤمن خود را خوشحال کنی ! آیا می‌دانی وقتی که تو همسر مؤمن خویش را ناراحت می‌کنی و او را غصه می‌دهی، رسول خدا را ناراحت می‌کنی !

امام صادق علیه السلام فرمود: «که هر کس مؤمنی را اندوهناک کند، در واقع رسول خدا را اندوهناک ساخته است».²²

خدایا، مهر همسرم در دلم قرار ده !

یادت می‌آید وقتی مراسم عروسی گرفته بودی، با چه شور و شادی، همسر خویش را به منزل خود آوردی !

همه فامیل جمع شده بودند و چه جشن باشکوهی برگزار کرده بودی !
آن لحظه از بهترین لحظات زندگی شما بود و پیوند مقدس شما مانند پیوند دو ستاره بود.

نمی‌دانم آن لحظه دعا هم کردی؟ آیا آداب عروس به خانه آوردن را انجام دادی؟

شاید آن موقع خبر نداشتی که عروس آوردن هم آداب دارد؟
اکنون من می‌خواهم این آداب را برایت بگویم:
از عروس خانم می‌خواهی که با وضو وارد خانه شما شود و خودت هم قبل از اینکه عروس پا به خانه بگذارد وضو می‌سازی !
و دو رکعت نماز می‌خوانی !
و شکر خدا را به جا می‌آوری و بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام صلوات می‌فرستی !

آنگاه عروس وارد خانه تو می‌شود.
اکنون تو دست به دعا بر می‌داری و از همه مهمانان می‌خواهی تا به دعای تو «آمین» بگویند.

حال تو باید چه دعایی بکنی؟
این دعا خیلی مهم است.

گوش کن : «خدایا، محبت همسرم را به قلب من ارزانی کن ! رضایت و خوشحالی او را به من کرم نما ! پیوند ما را پیوندی شایسته قرار بده».²³

این دعایی است که در آن لحظه باید بکنی !

شاید بگویی که آخر چرا در آن موقع دعا کنم؟

آیا می دانی که در آن موقع درهای آسمان باز می شود ؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «درهای آسمان در چهار موقع باز می شود: هنگامی که باران رحمت می بارد، هنگامی که فرزند به صورت پدر و مادر، نگاه می کند، هنگامی که در کعبه باز می شود، هنگامی که ازدواجی صورت می گیرد».²⁴

به هر حال، این دعایی است که تازه داماد باید از خداوند درخواست کند.

من خیلی فکر کردم که چرا اسلام برای لحظه ورود عروس به خانه شوهر این برنامه دعا را قرار داده است؟

به راستی چند بار در دعاهایت این خواسته را از خداوند طلب کرده ای؟

در کدام آیین، می توانی دعایی به این زیبایی بیابی !

«خدایا عشق به همسرم را به من روزی کن !».

اگر همه مردان جامعه ما از صمیم دل، این دعا را می کردند، زندگی ها چقدر زیبا و شیرین می شد.

من از صدها نفر سؤال کرده ام که آیا تا به حال از خدا خواسته اید که شما را عاشق همسرتان قرار دهد؟

آنان از حرف من تعجب کرده اند !

آیا فکر کرده ای چرا این دعا را همان لحظه ای که عروس وارد خانه ات می شود باید بخوانی؟

در روزهای اوّل زندگی که مشکلی وجود ندارد و همه همسر خود را دوست دارند !

پس چرا این لحظه باید دعایی این گونه کرد که خدایا، عشق به همسر را در قلب من قرار ده.

این یک رمز است، یک سمبل است !

لحظه ورود عروس به خانه تو، لحظه آغاز زندگی مشترک است !

لحظه مهم و حساسی است، اینجا باید از خدا کمک بگیری !

از او بخواهی که او محبت به همسرت را در قلبت بریزد و تا پایان عمر، او را دوست داشته باشی !

راستی چرا امام باقر علیه السلام می فرماید که از همراهان عروس بخواه تا به دعای داماد «آمین» بگویند؟

شاید ندانی که پدر و مادر عروس، چقدر زحمت کشیده اند، چه بی خوابی ها کشیده اند تا دختری را تربیت کرده و اکنون در اختیار شما قرار می دهند.

امام باقر علیه السلام می خواهد تا پدر و مادر عروس، دعای داماد خود را بشنوند که چگونه از خدا می خواهد که همسر خود را دوست بدارد !

نمی دانم در این دنیا چیزی به اندازه شنیدن این دعا، پدر و مادر یک دختر را خوشحال می کند؟

قسمت بعدی دعا را هم دقت کن !

«خدایا ! کاری کن که همسر همواره از من راضی باشد».

و شاید الآن غصه بخوری که من این آداب را نمی دانستم و موقع عروس آوردن، این دعا را نکردم.

ولی به قول معروف، ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است !

همین الآن برخیز، وضو بساز و دو رکعت نماز بخوان و از صمیم دل این دعا را بخوان، که خداوند فرموده است: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را».

از کجا بفهمم ایمانم کامل تر شده است ؟

برای همه ما لحظاتی پیش می آید که احساس می کنیم به خدا نزدیک تر شده ایم و به معنویت گرایش بیشتری پیدا کرده ایم. مثلاً در ماه رمضان و شب های قدر، دلهای ما روشن می شود و نور ایمان را در وجود خود احساس می کنیم.

به راستی اولین و مهمترین نشانه زیاد شدن ایمان چیست؟

ما از کجا بفهمیم که ایمان ما کامل تر شده است؟

آیا موافقی همین سؤال را از امام صادق (علیه السلام) بنماییم؟

این پاسخ آن حضرت است: «هر چه ایمان شما بیشتر شود محبت شما به همسرت بیشتر می شود».²⁵

یعنی خواست باشد، اگر تو به سوی خدا میل پیدا کردی و نماز و عبادت بیشتر شد، باید ببینی آیا همسر خود را بیشتر از قبل دوست داری یا نه؟ اگر جواب مثبت بود پس خوشا به حالت! زیرا که در معنویت رشد کرده ای!

اگر نماز خواندن تو بیشتر از قبل شد، اما اخلاق تو نسبت به همسرت بهتر نشد، بلکه نسبت به او بی تفاوت شدی باید بدانی که آن عرفانی که دنبالش رفته ای سرابی بیش نیست!

من چقدر افرادی را دیده ام که چون در وادی عرفان قدم برداشته اند به همسر خود کم مهری ها نموده اند!

آخر الگوی ما چه کسی می باشد!

اگر ما واقعا شیعه امام صادق علیه السلام هستیم پس چرا رفتار ما با سخن آن حضرت، مطابقت ندارد؟

آری، زمانی می‌توانی دم از عشق به خدا بزنی و یقین کنی که در مسیر صحیح عرفان پیش رفته‌ای که محبت و عشقت به همسرت، بیشتر شود. بنازم این مکتب شیعه را چگونه بین عشق به خدا و عشق به همسر رابطه برقرار می‌کند!

و افسوس که ما چقدر از این حقایق غافل مانده‌ایم! و شاید تعجب کنی که امام صادق علیه السلام در سخن دیگر می‌فرماید: «هر کس که محبت و عشقش به ما اهل بیت علیهم السلام زیادت‌ر شود، محبتش به زنان بیشتر می‌شود».²⁶

مقداری فکر کن، به راستی چه ارتباطی بین عشق به اهل بیت علیهم السلام و عشق به همسر وجود دارد؟

آری، اگر به سفر کربلا می‌روی یا نجف را زیارت می‌کنی و به برکت این سفر، روح و جانت با محبت اهل بیت علیهم السلام صفا می‌گیرد باید عشق و محبت به همسرت بیشتر شود.

نود هزار فرشته از کجا آمده‌اند؟

چه خبر شده است؟

چرا عرش خدا به لرزه در آمده است؟

چرا این همه فرشته از آسمان به زمین می‌آیند.

فکر می‌کنم تعداد آنها نود هزار فرشته باشد.

آن طرف را نگاه کن! فرشتگان به آن سمت می‌روند.

بیا ما هم آنجا برویم ببینیم چه خبر است؟

پیامبر می‌خواهد بر جنازه‌ای نماز بخواند و این فرشتگان برای خواندن نماز

میّت آمده‌اند.²⁷

«سعد بن معاذ» از دنیا رفته است.

حالا معلوم شد که این همه فرشته به احترام او آمده‌اند.

چرا رسول خدا ﷺ پابرهنه شده است؟

او می‌خواهد با پای برهنه در این مراسم حضور پیدا کند.

معلوم می‌شود سعد، آدم خیلی خوبی بوده که پیامبر بدون عبا و با پای برهنه

در تشییع جنازه او شرکت می‌کند.

این سعد چه مقامی داشته که عرش خدا در مرگ او به لرزه در آمده است؟²⁸

خوشا به حالت ای سعد!

من تا به حال نشنیده‌ام که رسول خدا ﷺ این طوری احترام جنازه‌ای را

بگیرد.

پیامبر گاه سمت راست جنازه را می‌گیرد و گاه به سمت چپ جنازه می‌رود.

بیا علّت این کار را از پیامبر سؤال کنیم.

آن حضرت چنین جواب می‌دهد: «دست من در دست جبرئیل است، هر کجا که جبرئیل می‌رود، من نیز همراه او می‌روم!».

پیکر سعد را نزدیک قبر می‌برند.

پیامبر وارد قبر می‌شود و جنازه سعد را داخل قبر می‌گذارد و سنگ لحد را می‌چیند و قبر سعد را می‌پوشاند.

به راستی چه کسی تا به حال، سعادت داشته است که پیامبر پیکر او را داخل قبر بگذارد؟

آن خانم را نگاه کن که آرام آرام کنار قبر پسرش می‌آید، او مادر سعد است.

همه کنار می‌روند و او می‌آید و کنار قبر پسرش سعد می‌نشیند.

او با چشم خود دیده است که پیامبر در تشییع جنازه پسرش سنگ تمام گذاشته است و برای همین بی‌اختیار می‌گوید: «پسرم، بهشت گوارایت باد!». پیامبر به مادر سعد می‌گوید: «مادر سعد! صبر کن».²⁹

و آنگاه نگاهی به آسمان می‌کند.

چه خبر شده است؟

پیامبر دارد زمزمه‌ای می‌کند.

گوش کن: «خدایا! آیا مثل سعد باید فشار قبر ببیند؟».

بعد رو به مادر سعد می‌کند و می‌گوید: «الآن، سعد فشار قبر دارد».

به راستی، چه شده است؟

سعد و فشار قبر؟ چرا باید سعد با آن مقام این گونه فشار قبر ببیند؟

آیا موافقی این سؤال را از پیامبر پیرسیم؟

جواب پیامبر این است: «سعد با خانواده‌اش بد اخلاق بود و این فشار قبر به خاطر آن بود».³⁰

آری، درست است که سعد، مقام بزرگی نزد پیامبر داشت، اما همه کارهای خدا روی حساب و کتاب است!

سعد همه خوبی‌ها را داشت ولی با همسر خود بد اخلاق بود و برای همین باید فشار قبر ببیند.³¹

ما باید خیلی مواظب باشیم که مبدا با بد اخلاقی در خانه به سرنوشتی دچار شویم که سعد گرفتار شد.

این لیست را بگیر و خرید کن!

حتماً برایت پیش آمده است که همسرت به تو گفته است که گوشت در منزل تمام شده، برو مقداری گوشت خریداری کن!

و تو که خیلی خسته‌ای، نمی‌دانی چه کنی، می‌خواهی مقداری استراحت کنی، ولی همسر شما می‌خواهد برای شام، غذا تهیه کند، سرانجام تصمیم می‌گیری برای خرید بیرون بروی.

آیا فکر می‌کنی که این کار تو نزد خدا ثواب و پاداش هم دارد؟ آری، تو می‌روی برای خانه خرید کنی و باید بدانی که چه ثوابی برای تو نوشته می‌شود؟

آیا موافقتی ببینیم که امام سجاد علیه السلام برای این خرید چه امتیازی می‌دهد؟ آن حضرت فرمود: «وقتی به بازار می‌روم و برای خانواده خود، گوشت خریداری می‌کنم، این کار را از آزاد کردن یک بنده، بهتر می‌دانم».³²

حتما شنیده‌ای که پیامبر چند روز قبل از ماه رمضان برای مردم سخنرانی کرد
و برای مردم در مورد عظمت ماه رمضان سخن گفت.

آری، ماه رمضان بسیار عزیز است و اگر تو بتوانی در این ماه مؤمنی را
افطاری بدهی خدا به تو ثواب آزاد کردن یک بنده می‌دهد.³³

فکر می‌کنم منظور مرا فهمیدی!

اگر بروی و برای خانواده خودت خرید کنی این کار تو همانقدر ثواب دارد
که افطاری دادن در ماه رمضان!

بنازم این مکتب را که چقدر زیبا تلاش می‌کند کانون خانواده را مستحکم
سازد.

آری، من می‌دانم که در صف نانوائی ایستادن برای تو خیلی سخت است!
از امروز به بعد، هر وقت که در صف نان ایستادی به یاد این سخن
امام سجاده علیه السلام باش و بدان که در حال عبادت هستی!

من می‌دانم دیگر هر وقت همسرت به تو سفارش خرید چیزی را برای خانه
بکند، تو با میل و رغبت این کار را انجام می‌دهی چرا که تو با این کار به کمال
معنوی بزرگی دست می‌یابی!

شاید در میان خوانندگان این کتاب، افرادی هستند که می‌گویند من کار به
ثواب ندارم.

بحث من هم در مورد ثواب آزاد کردن یک بنده نیست، بلکه سخن من این
است که تو اگر می‌خواهی به کمال معنوی برسی، یکی از راه‌های آن این است
که برای خانواده خود خرید کنی!

آیا می‌دانی وقتی که از خرید برمی‌گردی چه ارزشی پیش خدا داری؟

وقتی با دستهای خود گوشت و میوه و... را به خانه می‌بری، خداوند ثواب آن کسی را به تو می‌دهد که در راه خدا صدقه داده است.

آری، خرید کردن برای خانه در مکتب اسلام مساوی با صدقه دادن است! اگر صدقه رفع بلا می‌کند، و مایه خوشحالی خداوند می‌شود و مرگ ناگهانی را از انسان دور می‌کند، خرید برای خانواده نیز همین اثرها را دارد.

من این سخن را از خود نمی‌گویم، پیامبر فرمود: «آنگاه که مردی وارد بازار شود و برای خانواده خود چیزی بخرد و آنرا به خانه ببرد، ثواب او برابر با کسی است که صدقه به نیازمندان می‌دهد».³⁴

آری، در تعالیم اسلام تلاش شده است تا روابط بین زن و شوهر همواره با عشق و صمیمیت همراه باشد و کانون خانواده در میان جامعه مسلمانان از استحکام زیادی برخوردار باشد.

کاری نکنی که نمازت قبول نشود!

نگاه کن! صحرای قیامت است و چه غوغایی برپاست!
همه مردم سر از خاک برداشته و آماده‌اند تا به حساب کردار و رفتار آنها رسیدگی شود.

در این میان چشم من به مجید می‌افتد.
مجید یکی از دوستان خوب من در دنیا بود و من خیلی به او علاقه داشتم.
او خیلی خوشحال به نظر می‌رسد.
آیا موافقی پیش او برویم.

– سلام، مجید آقا!

– سلام، دوست من!

- می بینم که خیلی شاد و خوشحال هستی !
 - بله چون من در دنیا کارهای خوب زیادی انجام داده ام و آمادگی کامل
 برای چنین روزی را دارم.
 - آیا می شود کارهای خوب خود را برایم بگویی؟
 - بله، من دو سفر حج واجب رفته ام، سه عمره انجام داده ام، پنج بار کربلا
 رفته ام، یک مدرسه و یک مسجد ساخته ام، صد یتیم را سرپرستی کرده ام، ده ها
 فقیر را تحت حمایت خود در آورده ام...
 اینجا بود که حسرت خوردم که چرا من نتوانستم این همه کار خوب انجام
 دهم !
 به راستی که اگر انسان ثروت داشته باشد و آن را در راه خیر مصرف کند
 سعادت بزرگ داشته است.
 من دیگر یقین کردم که مجید اهل بهشت است برای همین روی او را بوسیدم
 و به او گفتم ما را فراموش نکنی، وقتی خواستی به بهشت بروی دست ما را هم
 بگیر.
 خلاصه آن که نوبت حسابرسی مجید فرا می رسد و فرشتگان نام او را
 می خوانند.
 و مجید برای حسابرسی جلو می رود.
 - تو در دنیا چه کار کرده ای؟
 - حج و عمره به جا آورده ام.
 - حج و عمره تو قبول نیست !
 - مدرسه ساختم.
 - قبول نیست.

— یتیمان را سرپرستی کرده‌ام.

— قبول نیست !

مجید هر کار خوبی که انجام داده است را نام می‌برد فرشتگان به او می‌گویند که آن عملش قبول نیست.

مجید را نگاه کن که چطور گریه می‌کند !

من خیلی تعجب می‌کنم، آخر چه شده است چرا هیچ یک از اعمال این رفیق من مقبول درگاه خدا واقع نشده است.

من نزد مجید می‌روم تا شاید علت را بفهمم می‌بینم که او نیز حسابی گیج شده است.

مجید تا نگاهش به من می‌افتد با گریه می‌گوید: نگاه کن، همه اعمال من باطل اعلام شد ! بدبخت شدم ! حالا چه کنم؟

من دلم برای مجید خیلی می‌سوزد.

آیا موافقی با هم نزد فرشتگان محاسبه اعمال برویم و علت را جویا شویم.

من به آن فرشتگان می‌گویم:

«می‌دانیم که خدا به هیچ کس ظلم نمی‌کند و همه کارهای او روی حساب و کتاب است، اما ما می‌خواهیم بفهمیم که چرا همه کارهای خوب مجید باطل اعلام شده است؟».

اینجاست که یکی از فرشتگان رو به من می‌کند و می‌گوید:

«مجید اعمال نیک زیادی انجام داده ولی چون همسر خود را اذیت کرده است هیچ کدام از اعمال او قبول نمی‌شود».

تازه یادم افتاد که مجید همه خوبی‌ها را داشت، اما یک عیب داشت و آن این که همسرش را اذیت و آزار می‌کرد.

آیا اذیت و آزار همسر این قدر گناه بزرگی است که می‌تواند همه اعمال خوب یک نفر را باطل کند؟

پیامبر فرمود: «هر زنی که شوهر خود را اذیت و آزار کند خداوند هیچ کدام از اعمال خوب او را قبول نمی‌کند و هر مردی که زن خود را آزار دهد نیز این چنین است».³⁵

آن زنی که بدون اجازه شوهر به مسجد می‌رود، باید بداند که خدا نماز او را قبول نمی‌کند و همین‌طور آن مردی که حقوق همسر خود را مراعات نمی‌کند باید بداند که خداوند اعمال خوب او را قبول نمی‌کند.

با همسر خود مهربان باشید!

«همواره جبرئیل در مورد زنان با من سخن می‌گفت و به من توصیه می‌کرد به مردان بگویم که مراعات حال آنها را بنمایند».³⁶

این سخن رسول خدا ﷺ است.

جبرئیل به پیامبر ﷺ عرضه داشت: «ای محمد! به اُمّت خود بگو که با زنان مهربان باشند!

و دل‌های آنها را شاد کنند و به آنان خشم نگیرند».³⁷

برادرم!

به راستی چگونه می‌توانیم دل همسر خود را شاد کنیم؟

آیا موافقی یکی از راههای آن را برایت بگویم.

آیا می‌دانی که توجه نشان دادن به همسرت باعث می‌شود او احساس زنده بودن واقعی کند؟

آیا می‌دانی که توجه شما به همسرت یک پیام مهم را برای او می‌رساند؟

آیا می‌دانی آن پیام چیست؟

وقتی تو به همسر خود توجه می‌کنی او احساس می‌کند که خیلی دوست داشتنی و مهم است.

اگر او احساس کند که تو به او توجه نداری قلب او خواهد مرد!
و آنگاه تو حسرت عشق او را خواهی خورد، و به راستی زندگی با زنی که قلبش مرده است خیلی سخت است!

تو خودت این کار را کرده‌ای، تو خودت، دل او را با بی‌توجهی نابود کرده‌ای.
پس سخن جبرئیل را آویزه گوش خود کن و تلاش کن تا همواره، دلِ همسر خود را شاد کنی زیرا در این صورت است که خوشبختی را برای خودت مهیا می‌سازی.

شما باید یاد بگیرید که به همسران توجه پیدا کنید.
مثلاً از او بخواهید لباس زیبایش را به تن کند و آنگاه به او بگویید: «این لباس چقدر به تو می‌آید و تو چقدر زیباتر شده‌ای!».

از رنگ مو و گیسوی او تعریف کنید!
وقتی او به ظاهر خود رسیدگی می‌کند به او بگویید: «تو پرشورترین زن دنیا هستی و من از تو خیلی راضی هستم!».

وقتی غذای شما را سر سفره می‌آورد به او بگویید: «این غذایی خوشمزه و عالی است!».

حال که سخن به اینجا رسید، آیا موافقی ما یک مسابقه برگزار کنیم تا به بهترین افراد جامعه جایزه‌ای بدهیم و از آنها تقدیر کنیم؟
حتماً می‌گویی اوّل باید در این مطلب به توافق برسیم که چه افرادی، بهترین مردم هستند؟

به نظر شما بهترین مردم چه کسی است؟
کسی که اهل نماز و روزه است؟ کسی که فرد نیکوکاری است و به افراد
بیچاره کمک می‌کند؟
آیا موافقی ما این سؤال را پیامبر بپرسیم؟ به نظر شما آن حضرت چه جوابی
خواهد داد؟

این سخن آن حضرت است: «بهترین شما کسی است که نسبت به خانواده
خود، بهتر باشد».³⁸

با این حساب، کسی که اهل نماز و طاعت است، ولی با خانواده خود خوش
اخلاق نیست، برنده مسابقه ما نخواهد بود.

آن نیکوکاری که به خانواده‌های بی‌بضاعت، کمک مالی زیادی می‌کند، ولی
همسرش را در حسرت محبت و عشق، باقی می‌گذارد، بهترین مردم نیست.
آیا می‌دانید هر کسی که با خانواده خود نیکو رفتار کند خداوند بر عمر او
می‌افزاید.³⁹

برادر خوب من !

همسر شما امانت خداست در دست شما !

این دستور اسلامی است که باید امانت را محافظت کنی !

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «زنان، امانت خدا در پیش شما هستند».⁴⁰

آیا درست است که همسر شما، وقتی به خانه شما می‌آید یک خانم شاداب
باشد، ولی بعد از چند سال زندگی با شما به خاطر عدم توجه شما به یک خانم
افسرده تبدیل شود؟

آیا این رسم امانت داری است؟

بترسید از این که امانت خدا را تباه کنید !

چرا باید در جامعه‌ای که پیرو اسلام است وضع روحی زنان این گونه باشد؟
بیایید در پرتو تعالیم اسلام، مرد و مردانه جهت شادمانی همسران خویش گام
برداریم.

بیایید با شاد کردن همسران خویش، به خدا نزدیک شویم!

ما می‌توانیم!

به امید آن روز که هر چه به خدا نزدیکتر شویم محبت ما به همسرمان بیشتر
شده باشد!

به امید آن روزی که شادابی و تبسم همسر خویش را سرمایه معنوی خود
بدانیم.

برادرم!

آیا می‌دانی یکی از حقوق همسر تو این است که با او ترش‌رویی نکنی!
این سخن پیامبر است که فرمود: «حق زن بر شوهرش این است که نفقه و
مخارج او را تأمین کند و هیچگاه با او ترش‌رویی نکند».⁴¹
آری، اسلام هم به نیازهای جسمی زن اهمیت می‌دهد و هم به نیازهای
روحی او.

همان قدر که به فکر تهیه غذا و پوشاک برای همسر خودت هستی آیا به فکر
این هستی که با روی خوش با او برخورد کنی؟

آیا می‌دانی که ما در مقابل شادمانی و نشاط روحی همسر خود، وظیفه
داریم؟

ما باید کاری کنیم که همواره همسرمان در خانه ما احساس خوشبختی
بنماید.

نیاز همسرت به سخن گفتن را درک کن !

وقتی با مشکلی روبرو می‌شوی چه می‌کنی؟

به فکر فرو می‌روی و تلاش می‌کنی تا راه حلی برای مشکل خود بیابی.

آری، ما مردان این چنین خلق شده‌ایم که تا چاره‌ای برای مشکل خود نیابیم به آرامش نمی‌رسیم برای همین نیاز داریم که در جای خلوتی به فکر کردن مشغول شویم.

آیا می‌دانی وقتی همسر تو با مشکلی برخورد می‌کند نیاز دارد تا با تو سخن بگوید؟

این یک «راز زنانه» است که می‌خواهم برایت بگویم پس به دقت گوش کن.

زمانی که زنی با مشکلی رو برو می‌شود غریزه‌ای به او می‌گوید که یک نفر را پیدا کن و با او درد دل کن.

برای او بزرگی و کوچکی مشکل فرق نمی‌کند، او نیاز دارد برای رفع نگرانی خود، در مورد مشکل خود، سخن بگوید.

او به دنبال پیدا کردن راه حل مشکل نیست !

تعجب نکن، درست نوشته‌ام !

ما مردان هنگام روبرو شدن با مشکلات به دنبال راه حل خوب می‌گردیم، ولی زنان هنگام روبرو شدن با مشکل به دنبال یک همدم خوب هستند.

خواهش می‌کنم روی جمله قبل خیلی دقت کن.

اگر شما برای همسر خود یک شنونده خوب و یک همدم خوب باشید، در راه رسیدن به آرامش، کمک بزرگی به او کرده‌اید.

برادرم !

ممکن است با سخن گفتن همسرتان، مشکل او حل نشود ولی همین که تو با او همدردی کردی و به سخنان او گوش کردی آرامشی زیبا به او هدیه کرده‌ای. به خانه می‌آیی و همسرت با تو سخن می‌گوید و مشکلاتش را با تو در میان می‌گذارد، تو باید بدانی که او هرگز نمی‌خواهد تو را مقصّر بداند! او اکنون به شوهر خود رسیده است و می‌خواهد به آرامش برسد. خوب، او چگونه این کار را می‌کند؟ با سخن گفتن.

برای همین شروع به حرف زدن می‌کند. شما که نمی‌دانی خیال می‌کنی او می‌خواهد تو را محکوم کند و برای همین حالتِ دفاع به خود می‌گیری و اوضاع را خراب می‌کنی! بارها شده است وقتی همسرت مشکل خود را به تو می‌گوید تو راه حلّی برای مشکل او می‌گویی و خیال می‌کنی او باید با یافتن این راه حلّ به آرامش برسد، ولی این چنین نمی‌شود. آیا علّت را می‌دانی؟

چون مرد با یافتن راه حلّ آرام می‌شود، امّا زن با همدردی و سخن گفتن! تو باید بدانی وقتی همسرت با تو سخن می‌گوید به دنبال این نیست که تو برای او راه حلّی بیابی!

تو باید بدانی که همسرت با همین سخن گفتن و ذکر جزئیّات به آرامش می‌رسد.

بنابراین دیگر نسبت به پرحرفی همسرت حساسیّت به خرج نمی‌دهی چون می‌دانی که سخن گفتن همسرت، اثر شفابخشی برای او دارد.

از امروز به بعد، بدون اینکه احساس مقصر بودن بکنی به سخنان همسر خود گوش فرا می‌دهی و برای او شنونده خوبی می‌شوی، آن وقت است که تو بهترین شوهر دنیا می‌شوی چرا که آرامش را به همسر خود ارزانی داشته‌ای. آری، از این به بعد، دیگر به سخنان همسرت بی‌توجهی نمی‌کنی، چون می‌دانی که مهم‌ترین نیاز روحی همسرت، نیاز به شنیده شدن سخنانش توسط شماست.

چگونه همسران به شما امتیاز می‌دهد ؟

ما مردان به گونه‌ای خلق شده‌ایم که همواره می‌خواهیم کارهای بزرگ انجام دهیم و به وسیله آن امتیاز زیادی بگیریم. و همین موضوع را در زندگی زناشویی خود می‌آوریم و تلاش می‌کنیم تا کار بزرگی را برای همسرمان انجام دهیم. خوب انجام کار بزرگ به زمان زیادی نیاز دارد. آری، تو ماه‌ها تلاش می‌کنی و اضافه کاری می‌روی تا پولی به دست آوری و همسرت را به یک سفر خوب و عالی ببری ! وقتی بعد از شش ماه تلاش، او را به مسافرت می‌بری، پیش خود خیال می‌کنی که حتماً همسر تو بسیار خوشحال خواهد شد چرا که تو کار مهمی انجام داده‌ای ، اما می‌بینی که همسر تو به اندازه‌ای که فکر می‌کردی خوشحال نشده است و حسابی گیج می‌شوی ! آخر تو شش ماه تمام جان کندي و کار کردی تا توانستی هزینه این سفر را فراهم کنی.

برای روشن شدن موضوع، خوب است در اینجا ویژگی زنان را بیان کنم:

1 - زنان طوری خلق شده‌اند که به هر کار محبت‌آمیز، امتیازی خاص می‌دهند حال می‌خواهد آن کار کوچک باشد یا بزرگ.

2 - زنان به مجموع امتیازهایی که شما آورده‌اید نگاه می‌کنند. شما شش ماه کار کردی و یک سفر عالی برای همسرت فراهم کردی و پیش خودت فکر می‌کنی که این سفر دارای هزار امتیاز است ! آری، ما مردان این گونه هستیم که بین یک سفر و هدیه یک شاخه گل، خیلی فرق می‌گذاریم.

از نگاه ما اگر هدیه شاخه گل، ده امتیاز باشد، یک سفر در بهترین نقطه کشور و در بهترین هتل، هزار امتیاز می‌آورد چرا که ما به هزینه‌ها، نگاه می‌کنیم و امتیاز بندی می‌کنیم.

اما زنان به شاخه گل و سفر، به یک صورت امتیاز می‌دهند !! حالا حساب کن که تو شش ماه تلاش کردی و پول سفر را فراهم کردی و از محبت‌های کوچک دیگر چشم پوشی کردی چون می‌خواستی به یکباره هزار امتیاز به دست آوری، اما غافل بودی که شما همان ده امتیاز را به دست می‌آوری.

آری، همسر تو نیاز دارد تا هر روز به او محبت‌های کوچک بکنی ! باز تأکید می‌کنم چون کارهای کوچک برای ما مردان کم ارزش است پس خیال می‌کنیم که این کارها برای همسرمان هم کم ارزش خواهد بود برای همین همواره به فکر این هستیم که برای او کاری بزرگ انجام دهیم.

همسر تو نیازمند اظهار محبت‌های پی در پی و هدایای فراوان، اما کوچک است !

برای او مهم نیست که هدایای تو بزرگ باشد یا کوچک، مهم این است که تو همواره به وسیله‌ای به او محبت کنی !

این فکر را از سرت بیرون کن که با انجام کارهای بزرگ و شایسته ولی در فاصله زمانی طولانی، بتوانی نیاز عاطفی همسر خود را بر آورده سازی ! آنچه برای همسر تو مهم است استمرارِ موردِ توجه بودن است اگر چه به صورت یک هدیه کوچک در هر روز باشد.

مردی که یاد گرفته است برای شریک زندگی خود کارهای کوچک انجام دهد همواره شادی و نشاط را در چهره همسر خود می‌یابد و اینجاست که این مرد، احساس خوشبختی می‌کند و اعتماد به نفس قوی پیدا می‌نماید.

حضرت علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید که زن، «ریحانه» است.⁴²

در زبان عربی به گل خوشبو، «ریحانه» می‌گویند.⁴³

و تو می‌دانی که یک گل خوشبو را باید هر روز آب بدهی و از آن مواظبت بکنی !

آیا می‌توانی بگویی که من شش ماه به گل، آب نمی‌دهم در عوض صبر می‌کنم و یکباره یک استخر آب به آن گل می‌دهم؟

آن وقت دیگر گل تو خشک شده است، یک دریا آب هم نمی‌تواند آن را زنده کند.

پس بیا و هر روز به همسر خود محبت کن تا همواره شاهد شادابی و نشاط او باشی.

خلاصه آن‌که همسر شما به همان اندازه که از کارهای بزرگ خوشحال می‌شود از کارهای کوچک نیز شاداب می‌شود.

ما می‌توانیم بدون آن که دست به کارهای پر هزینه و بزرگ بزنیم با انجام کارهای کوچک امتیازهای مثبت از همسر خود بگیریم. (البته خانم‌های محترم هم باید با قدردانی از اقدامات کوچک شوهرشان آنها را تشویق به ادامه آن بنمایند).

امتحان کنید و یقین داشته باشید که هرگز پشیمان نمی‌شود:

— موقعی که وارد خانه می‌شوید قبل از هر کاری همسر خود را در بغل گرفته و او را ببوسید.

— در هر فرصتی به او یک شاخه گل هدیه کنید.

— از نوع آرایش او تعریف کنید.

— اگر به هر دلیل، مجبور هستید دیر به خانه بروید با تلفن به او خبر دهید.

— هنگامی که او کار زیادی دارد در شستن ظرفها به او کمک کنید.

— در وسط روز، از محل کار خود به او زنگ بزنید و به او بگویید که دوستش دارید.

— قبل از ورود به بستر، دوش بگیرید و خود را خوشبو کنید.

— هنگام رانندگی، به تذکرات او در رانندگی جامه عمل بپوشانید.

— گاه گاهی برای او یک یادداشت محبت‌آمیز بگذارید.

— هنگامی که او با شما سخن می‌گوید مستقیم به چشمهای او نگاه کنید و به او بفهمانید که سراپا گوش هستید.

— هنگام گفتگو دستهای او را بگیرید و نوازش کنید.

— موقع خروج از منزل او را ببوسید و با او خداحافظی کنید.

— به او بگویید: «وقتی که از او دور هستید دلتان برای او تنگ می‌شود».

— همین حالا کتاب را زمین بگذارید و به نزد او بروید و به او بگویید:
 «عزیزم دوستت دارم!».

— او را با بوسه صبحگاهی از خواب بیدار کنید.

— از او پرسید: «چه کسی مهتاب را دزدید و در چشم تو گذاشت؟».

— از دست پخت او تعریف و تمجید کنید.

— به او بگویید: «تو بهترین نعمتی هستی که خدا به من داده است».

— گیسوان او را نوازش کنید.

— از او بخواهید تا سرش را روی شانه شما بگذارد.

— در میان روز، موقعی که او مشغول کارهای خانه است، بدون مقدمه،
 لحظاتی او را در آغوش بگیرید.

وقتی که همسرت احساس ناامیدی می کند

وقتی که تو به همسر خود عشق می ورزی، او از عشق لبریز می شود و
 درخشنده و زیبا می شود و تو خیال می کنی که این احساس زیبای او ادامه پیدا
 خواهد کرد.

من اینجا از تو یک سؤال می کنم: آیا آسمان همواره آفتابی و صاف است؟
 نظام طبیعت این گونه طراحی شده که چند روز آفتاب است و چند روز هم
 هوا ابری می باشد.

آیا درست است که توقع داشته باشی همیشه آب و هوا خوب باشد؟
 اکنون بدان که روحیه همسر تو هم همیشه یک طور نیست.

اگر همسر تو در اوج گرمای عشق، ناگهان سرد و یخ می شود، تعجب نکن،
 همه زنان دنیا این طور هستند !

این یک ویژگی زنان است که تو باید از آن مطلع باشی تا بتوانی زندگی بهتری داشته باشی.

آری، ما مردان این طوری هستیم که خوشحالی و ناراحتی همسر خود را به حساب خود می‌گذاریم.

اگر او را شاد و شاداب ببینیم به خود افتخار می‌کنیم، اما اگر او را ناراحت و ناامید ببینیم ناراحت می‌شویم و خیال می‌کنیم که او از ما ناراحت است.

اشتباه ما این است که می‌خواهیم همسر خود را همیشه شاداب ببینیم و برای همین اگر یک روز همسر ما غمناک بود کلافه می‌شویم و از ناراحت بودن او انتقاد کرده و اوضاع را خراب تر می‌کنیم.

اکنون باید بدانی که احساسات زنان اوج و سقوط دارد، زنان بعد از یک مرحله عشق و زیبایی به مرحله یأس و ناامیدی سقوط می‌کنند و دوباره به مرحله عشق، اوج می‌گیرند.

این کاملاً طبیعی است: اوج عشق و بعد سقوط در یأس و دوباره اوج عشق! زن بعد از یک مرحله اوج عشق و شادابی، به مرحله یأس و ناامیدی می‌رود تا یک خلأ درونی برای او ایجاد شود و آنگاه بتواند انرژی‌های خود را خنثی کند.

باید توجه داشته باشی که تمایل همسر تو برای رفتن به مرحله یأس هرگز نشانه این نیست که او از تو ناراحت است بلکه این یک عملکرد طبیعی است تا او بتواند انرژی‌های خود را تخلیه نماید و بعد از آن رابطه بهتری را ایجاد کند. تو نباید توقع داشته باشی که همسرت همیشه در نقطه اوج عشق باشد بلکه رفتن همسرت به نقطه یأس را کاملاً طبیعی بدان و در آن لحظات تلاش کن تا با او همدردی بنمایی و او بتواند این مرحله را به سرعت پشت سر بگذارد.

در آن لحظه‌ای که همسرت در مرحله سقوط در یأس و ناامیدی است به شدت نیاز به همیاری تو دارد.

تو نباید از او انتقاد کنی! چون این رفتار او به خاطر تو نیست، او دارد یک نیاز طبیعی خود را ارضاء می‌کند.

در اینجا او احساس تنهایی و واماندگی می‌کند و خیال می‌کند که بی پناه رها شده است برای همین وقتی شما به همسر خود توجه می‌کنی، او به سرعت از مرحله سقوط به مرحله اوج شادابی می‌رسد و دوباره همان همسر شاداب تو می‌شود.

از امروز به بعد، اگر دیدی که روحیه همسرت خراب است و عصبی و افسرده است و نسبت به هر چیزی ابراز مخالفت می‌کند، نگران نشو بلکه بدان که او الآن وارد مرحله یأس شده است.

او نیاز به حمایت تو دارد، او نیاز به محبت بیشتری دارد تا این مرحله را طی کند و حواست جمع باشد مبدا در این مرحله محبت خود را از او دریغ کنی. اگر در این مرحله فقط یک گوش شنوا داشته باشی کافی است تا بتوانی به همسرت کمک کنی!

چقدر جالب است که حضرت علی علیه السلام به یکی از فرزندان به نام محمد حنَفیه، وصیت می‌کند و به او می‌گوید: «پسرم، در همه شرائط با همسر خود مدارا کن و به او خوبی کن تا زندگیت با صفا باشد».⁴⁴

آری، اگر زندگی راحت و با صفا می‌خواهی باید به سخن حضرت علی علیه السلام گوش فرا دهی و همواره با همسر خود مهربان باشی و به او نیکی کنی!

ای کاش، همه پدران ما وقتی که پسران خود را داماد می‌کنند این توصیه را به آنها می‌کردند.

خلاصه آن‌که در مواقعی که همسر تو افسرده و نگران است به حرفهای او گوش فرا بده و از او حمایت کن و بدان که این رفتار او طبیعی است و اتفاق خاصی نیفتاده است بلکه او دارد یک مرحله احساسات طبیعی خود را طی می‌کند.

مبادا مانع آن بشوی که همسر شما به مرحله یأس برسد!
زیرا اگر مانع بشوی تا همسرت احساسات منفی خود را بروز بدهد احساسات زیبای او هم نابود خواهد شد و تو به زودی شاهد آن خواهی بود که دیگر از عشق و شور مستانه همسرت خبری نیست.

تعاادل همسر تو در گرو این است که به طور مداوم از مرحله اوج عشق به مرحله یأس برود و دوباره به مرحله اوج شادی، پرواز کند.

اگر برنامه تو به گونه‌ای است که همسرت در زندگیت احساسات منفی و یأس خود را مخفی می‌کند به هوش باش که تو او را به سوی بی‌احساسی و کشتن عشق، سوق می‌دهی!

آری، این که زنی داشته باشی که احساسات منفی نداشته باشد خوب است، اما اگر به این آرزو رسیدی، دیگر همسرت احساسات مثبت مثل عشق و شادابی، هم نخواهد داشت و آن وقت در حسرت یک برخورد عاشقانه و شور مستانه او باقی خواهی ماند.

اگر می‌خواهی که به احساسات زیبای عشق و شادمانی همسر خود دست یابی باید احساسات بی تفاوتی و یأس و اندوه او را هم قبول کنی!

همسر تو وقتی در مرحله اوج عشق است به زیبایی‌ها می‌اندیشد و همه چیز را خوب می‌بیند، اما وقتی در مرحله یأس قرار می‌گیرد به نداشته‌ها فکر می‌کند و ابرهای تیره و تار در مقابل چشمانش ظاهر می‌شوند.

او در این حالت نصفه خالی لیوان را می‌بیند و ممکن است از شما انتقاد کند. شما روحیه همسرت را می‌شناسی و می‌دانی که این یک حالت کاملاً طبیعی می‌باشد و رابطه‌ای با رفتار و اخلاق شما ندارد.

آری، همه مردان دنیا، این لحظات یأس همسرشان را دیده‌اند و مهم این است که در آن لحظات، همسر خود را با انتقاد مأیوس‌تر نکنی بلکه باید محبت خود را به او ارزانی بداری، آنگاه می‌بینی که چگونه همسر تو سریعتر از مرحله یأس عبور می‌کند و به مرحله اوج عشق می‌رسد و دوباره همان فرشته زیبای زندگیت می‌شود و سعادت و خوشبختی را به تو ارزانی می‌دارد.

حالا اگر مایل باشی چند جمله را برایت بنویسم که خوب است در لحظاتی که همسرت در مرحله یأس است برایش بگویی:

- می‌دانم دلت نمی‌خواهد مرا ناراحت کنی،
- عزیز دلم، می‌توانی به کمک من امیدوار باشی.
- محبوبم، به من تکیه کن من تو را تنها نمی‌گذارم.
- می‌فهمم که به دلسوزی و محبت من احتیاج داری و دلت می‌خواهد در آغوش بگیرم.
- از زندگی کردن با تو خیلی خوشحالم و توقع ندارم که کاملاً بی‌عیب باشی.

— مجبورت نمی‌کنم که همیشه خودت را در مقابل من خوشحال نشان دهی.

چند پیشنهاد برای آقایان

1 - آیا می‌دانید کلید نفوذ به قلب زنان، گوش آنهاست؟
اگر می‌خواهی کاری کنی که همسرت تو را بیشتر دوست داشته باشد باید بدانی که با گفتن کلمات زیبا می‌توانی او را بر سر ذوق آوری.
به راستی شما همسر خود را چه صدا می‌زنید؟
آیا می‌دانید که شما می‌توانید از همین کلمات برای ایجاد صمیمیت بیشتر استفاده کنید.

گلم! عزیزم!

قلبم! قشنگم!

عسلم! نازنینم!

و ده‌ها کلمه قشنگ دیگر...

شاید بگویی اگر من همسر را با این نام‌ها صدا بزنم، او تعجب خواهد کرد.
ولی شما شک نکنید، امتحان کنید!
یکی از این نام‌ها را با صمیمیت کامل به همسر خود بگویید، در آغاز، ممکن است همسر شما تعجب کند، اما بعد از مدتی به آن عادت می‌کند و از شنیدن آن لذت می‌برد.

و البته این نکته در ذهن ما مردان کم‌اهمیت جلوه می‌کند برای این که ما مردان از راه دیدن، ذوق زده می‌شویم و نه با شنیدن، ولی خانم‌ها، (بر عکس ما مردان)، از راه شنیدن، ذوق زده می‌شوند.

بیا از امروز با خود عهد ببند و همسر خودت را با این نام‌های زیبا صدا بزن
و آن گاه ببین که زندگی شما چقدر با صفاتر می‌شود و چقدر همسرت به تو
عشق می‌ورزد.

یادم نمی‌رود وقتی من ازدواج کرده بودم یکی از استادانم به من گفت:
«می‌خواهم در اوّل زندگیت یک مطلبی را به تو یاد بدهم».
من با خوشحالی تمام، سراپاگوش شدم تا سخن استاد خویش را به خاطر
بسپارم.
او به من گفت:

«سعی کن در زندگی خود همواره همسر خود را "امانتِ خدا" صدا کنی».
آری، همسر انسان امانت خداست و این فرموده حضرت علی علیه السلام می‌باشد.⁴⁵
آیا فکر کرده‌ای که اگر همه مردان ما همسران خود را این‌گونه خطاب
می‌کردند زنان جامعه ما، چه احساس افتخاری می‌کردند!
ما هنگامی که همسر خود را این‌گونه صدا بزنیم ناخودآگاه متوجّه وظیفه
سنگین خود می‌شویم که مبادا در نگهداری این امانت، کوتاهی بکنیم.

2 - در یکی از شب‌های مهتابی زمانی که همسرتان اصلاً احتمالش را
نمی‌دهد تلویزیون را خاموش کنید و به همسر خود بگویید می‌خواهم ساعتی در
کنار تو و با تو باشم.

آنگاه با هم برخیزید و بیرون بروید و جای خلوتی را پیدا کنید و در زیر نور
مهتاب با همسر خود قدم بزنید و خاطرات خوش زندگیتان را برای یکدیگر
تعریف کنید.

یک کار دیگر هم می‌توانید بکنید وقتی که باران می‌بارد با هم در زیر باران
قدم بزنید زیرا موقع باران، آسمان با زمین عشق بازی می‌کند، البته مواظب
باشید سرما نخورید !!

3 - لمس کردن و نوازش کردن یکی از مهم‌ترین نیازهای همسر شما است.
برای همین فراموش مکن که او را در آغوش بگیری و دست خود را به دور
شانه او حلقه بزنی.

اگر به این کار عادت کنی زندگی زناشویی موفق‌تری در انتظار توست.
4 - وقتی می‌خواهید از منزل خارج شوید سعی کنید با احساسی صمیمانه با
همسر خود خداحافظی کنید.

شما تصوّر کنید این بار آخری است که او را می‌بینید، پس او را ببوسید و از
خانه خارج شوید.

5 - زمانی که به سفر می‌روید فراموش نکنید که برای همسر خود یک هدیه
بخرید.

این گونه به همسر خود می‌گویید که حتی زمانی که از او جدا بوده‌اید او را
فراموش نکرده‌اید.

این پیام برای همسر شما مهم‌تر است از هدیه‌ای که روی دست‌های شماست.
برای همین تصمیم بگیر هرگاه به مسافرت می‌روی برای او هدیه‌ای هر چند
کوچک خریداری کنی !

6 - حتماً برای شما پیش آمده است که به خانه آمده‌اید و دیده‌اید که همسر
شما به سردرد مبتلا شده است.

شما چه کمکی به او می‌توانید بکنید؟

به او پیشنهاد می‌کنید که او را نزد پزشک ببرید ولی می‌بینید که صدای گریه او بلند می‌شود.

تعجب می‌کنید و حسابی گیج می‌شوید.

تجربه نشان داده است که او در این لحظات به پزشک نیاز ندارد. او از شما می‌خواهد تا مقداری از وقت خود را صرف او بکنید. کارهای زندگی و تربیت و نگهداری فرزندان او را خسته کرده و انرژی او تمام شده است، برای همین دیگر طاقت ندارد و این خستگی به صورت سردرد بروز کرده است.

اینجا باید او را مورد محبت و نوازش قرار دهید!

او بیمار شما می‌باشد و خود شما شفای او هستید!

7 - موفق شدن در زندگی مشترک به اندازه موفق شدن در شغل و کار، مهم می‌باشد، فراموش نکنید که وقتی دوران مختلف زندگی ما به پایان برسد معمولاً افسوس می‌خوریم که چرا ما نسبت به هم، بیش از این مهربان نبوده‌ایم.

عشق و محبت به همسری که می‌خواهید سال‌ها با او زندگی کنید از کسب مدال طلا یا گرفتن ارتقاء رتبه در سازمانی که در آن کار می‌کنید مهمتر است.

8 - گاه گاهی به این سفارش رسول خدا ﷺ جامه عمل بپوشان!

بر سر سفره که نشسته‌ای یک لقمه خوشمزه بگیر و به دهان همسرت بگذار!
و بدان که خداوند به خاطر این کار تو پاداش بزرگی به تو می‌دهد.

این سخن رسول خداست که فرمود: «وقتی که لقمه‌ای به دهان همسر خود می‌گذاری خداوند به تو پاداش می‌دهد».⁴⁶

9 - سعی کنید همیشه مرتب باشید و به سر و وضع خود برسید.

خوب است این قصه را از زبان یکی از یاران امام کاظم علیه السلام بشنوید:

در کوچه‌های مدینه قدم می‌زدم که نگاهم به امام کاظم علیه السلام افتاد. جلو رفته و پس از عرض سلام، به آن حضرت گفتم: «چه شده که موه‌های سرو صورتتان را رنگ کرده‌اید؟». امام علیه السلام فرمود: «این که مرد به خود برسد و خود را زینت کند باعث عفت و پاکدامنی همسرش می‌شود».⁴⁷

آری، همسر شما دوست دارد که شما را با سر و وضع مرتبی مشاهده کند.

10 - سعی کنید که همیشه خوشبو باشید.

قبل از اینکه کنار همسر خود بروید از عطرهای خوشبو استفاده کنید. آیا شنیده‌اید پولی که پیامبر برای خرید عطر مصرف می‌کرد بیش از پولی بود که برای غذا و خوراک خود قرار می‌داد.⁴⁸

مگر پیامبر، الگوی ما مسلمانان نیست؟

ولی ما مسلمانان چقدر از عطر استفاده می‌کنیم؟

تازه اگر هم عطر بزینم موقعی است که می‌خواهیم به مهمانی مهمی برویم. چرا ما چیزهای خوب را برای غریبه‌ها استفاده می‌کنیم و شریک زندگی خود را از آن محروم می‌کنیم؟

همین امروز با همسرت به خرید بروید و عطری را که او دوست دارد خریداری کنید و هرگاه خواستید در کنار او باشید آن عطر را استفاده کنید.

فصل دوم: بهترین زن دنیا

آیا می‌خواهی خدا به تو نظر کند؟

یک روز به مناسبت روز زن، جلسه‌ای برگزار شده بود و از یک خانم دعوت شده بود تا سخنرانی کند و من هم به آن مجلس دعوت شده بودم. آن خانم پشت تریبون رفت و در مورد جایگاه زن سخن گفت و گفت که زنان امروز جامعه ما در حال گذر از «کلفت خانه» به سوی «زنان فرهیخته» هستند.

منظور او این بود که وقتی خانمی در خانه کار می‌کند و برای همسر خود زحمت می‌کشد یک نوع کلفتی می‌کند!

این جایگاه زن امروز نیست!

در آن جلسه زنان زیادی حضور داشتند و به این سخنان گوش می‌کردند. نمی‌دانم وقتی که زنان خانه دار این سخن را شنیدند چه احساسی به آنها دست داد؟

آیا آنها کلفت شوهرشان بودند؟

شما فکر کنید آیا می‌توان با این سخنان، نظام خانواده را حفظ کرد؟ آیا شما اطلاع دارید که آمار طلاق در جامعه ما رو به افزایش است؟ وقتی ما این دیدگاه‌ها را برای زنان جامعه بیان می‌کنیم، آیا می‌توانیم انتظار آن را داشته باشیم که کانون خانواده، گرم و صمیمی باقی بماند! اکنون در این کتاب می‌خواهم جواب آن خانم سخنران را بدهم.

ای کسی که کار کردن زن در خانه را، کلفتی می‌دانی !

اگر می‌دانستی که خدمت زن در خانه چه مقام و منزلتی پیش خداوند دارد هرگز آن سخن را نمی‌گفتی !

آیا می‌دانید که اگر ما مردان، بخواهیم نظرِ مرحمتِ خدا را به سوی خود جلب کنیم باید چه قدر زحمت بکشیم؟

باید اول یک میلیون تومان به حساب سازمان حج و زیارت بریزیم و بعد از چند سال چشم‌انتظاری، وقتی نوبتمان شد به مکه برویم و اعمال حج را به جا آوریم و وقتی که از صحرای عرفات به سوی سرزمینِ منی حرکت کنیم حالا خدای متعال به ما نظرِ مرحمتی می‌کند، اما خدا در چه موقعی نظرِ مرحمت خود را به زنان می‌کند؟

جواب این سؤال را از زبان اُمّ سَلَمَه، همسر پیامبر بشنوید !

یک روز اُمّ سلمه از پیامبر سؤال کرد که آیا خدمت کردن زنان در خانه شوهرشان، ثوابی هم دارد؟

پیامبر در جواب او فرمود: «هر گاه زنی برای مرتب کردن خانه شوهرش، چیزی را از جایی به جای دیگر ببرد، خداوند به او نظرِ مرحمت می‌کند».⁴⁹

خواهرم ! همین الآن نگاه کن بین چه چیزی در خانه، نا مرتب است، برخیز و آن را مرتب کن، و یقین بدان که خدا به تو نظرِ مرحمت می‌کند !

خداوند عادل است و اگر زن در خانه شوهر به خدمت مشغول شود برای او چنین ثوابی را قرار می‌دهد !

آیا این خدمت کردن، کلفتی است یا بهترین راه برای این است که رحمت خدا را به سوی خود جلب کنی؟

خانمی که کارگزار خدا بود

پیامبر در مسجد نشسته است و یارانش گرد او جمع شده‌اند.
و مردی وارد مسجد می‌شود و نزد پیامبر می‌آید، سلام می‌کند و می‌نشیند.
در این هنگام، این سوال مطرح می‌شود که بهترین زن دنیا کیست؟
در اینجا آن مرد رو به رسول خدا ﷺ می‌کند و می‌گوید: «ای رسول خدا!
من همسری دارم که هرگاه به خانه بر می‌گردم او به استقبال من می‌آید. و
چون می‌خواهم از خانه بیرون بروم تا پشت در مرا بدرقه می‌کند. و هرگاه مرا
غمگین ببیند با من این چنین سخن می‌گوید: چرا غم به دل تو آمده است؟ اگر
غصه روزی می‌خوری بدان که خدا روزی رسان ما می‌باشد و اگر غم تو به
خاطر قبر و قیامت توست، خدا کند که این غم تو زیاده‌تر شود».
سخن این مرد به پایان می‌رسد.

همه متعجب هستند که خدا چه نعمتی به این مرد داده است، نعمت همسری
به این خوبی!

همه نگاه‌ها متوجه رسول خدا ﷺ می‌شود تا ببینند او در مورد این زن چه
می‌گوید؟

گوش کن!

پیامبر می‌فرماید: «همانا خدا در روی زمین کارگزارانی دارد و این زن یکی
از آنهاست و خداوند برای او نیمی از ثواب شهیدان را قرار می‌دهد».⁵⁰

آیا موافقی با هم کارهای آن زن را مرور کنیم؟

الف. استقبال از شوهر و بدرقه کردن او

ب. همدردی کردن در غم و غصه همسر.

به راستی اگر همه زنان جامعه ما آن زن را الگوی خود قرار می‌دادند،
زندگی‌ها چقدر شیرین می‌شد.

چرا همه خوبی‌ها برای مردان است؟

نمی‌دانم این سخن را شنیده‌ای که چرا خداوند همه خوبی‌ها ثواب‌ها را برای
مردان قرار داده است؟

من بارها این سخن را شنیده‌ام.

چه پاسخی می‌توان به این سخن داد؟

همسر پیامبر هم همین سؤال را از آن حضرت نموده است.

یک روز، امّ سلمه (همسر پیامبر) به پیامبر عرضه داشت: «مردان در همه
خوبی‌ها از زنان پیشی گرفتند پس برای زنان چه چیزی مانده است؟»
شما فکر می‌کنید که پیامبر در جواب او چه فرمود؟

آیا می‌دانی که خداوند در مقابل حاملگی زن چه ثوابی به او می‌دهد؟

در آن نُه ماه، خداوند ثواب روزه دار برای او می‌نویسد.

و چون نوزاد به دنیا آید هرگز نمی‌توان ثوابی را که خدا به مادر می‌دهد
حساب نمود.

آیا می‌دانید هر بار که نوزاد شیر مادر را می‌خورد، خدا چقدر ثواب به مادر
می‌دهد؟

پیامبر فرمود: «برای هر بار شیر مکیدن نوزاد، خداوند ثواب آزاد کردن یک
بنده را می‌دهد».⁵¹

به طور متوسط، هر نوزاد در روز، ده بار شیر می‌خورد و در هر باری که شیر
می‌خورد بیش از صد مرتبه شیر می‌مکد، با این حساب اگر یک مادر، نوزاد

خود یک سال شیر دهد در این مدّت، ثواب آزاد کردن بیش از 360000 بنده را کسب کرده است.

در احادیث اهل بیت علیهم السلام می‌بینیم که برای نشان دادن اهمّیت ثواب کارهای خیر، آن کارهای نیک با ثواب آزاد کردن یک بنده، مقایسه شده است. مثلاً هر کس در هنگام افطار به فقیری یک وعده غذا بدهد ثواب آزاد کردن یک بنده دارد.⁵²

ما مردان باید در ماه رمضان، فقری را پیدا کنیم و از مالِ حلالِ خود به او یک وعده غذا بدهیم تا خدا ثواب آزاد کردن یک بنده به ما بدهد، امّا آن مادری که به نوزاد خود یک وعده شیر می‌دهد صد برابر ما ثواب دارد!

آیا می‌خواهی ثواب رزمندگان را داشته باشی؟

آیا می‌دانید ثواب آنان که در راه خدا جهاد می‌کنند چیست؟ آیا شنیده‌اید که ثواب یک روز جهاد در جبهه حق علیه باطل از چهل سال عبادت بیشتر است. در احادیثی دیگر آمده است که درهای آسمان برای جهاد کنندگان باز می‌شود و در روز قیامت یکی از درهای بهشت مخصوص آنهاست.⁵³

شاید شنیده باشی که خداوند جهاد را از زنان برداشته است. برای من خیلی جالب بود که حضرت علی علیه السلام در سخنی فرموده‌اند که خداوند جهاد را بر مرد و زن واجب کرده است.

ولی جهاد مرد با زن فرق می‌کند!

جهاد مرد این است که به جبهه برود و در راه اسلام با دشمنان بجنگد.

و جهاد زن این است که خوب شوهرداری کند.⁵⁴

اگر (خدای ناکرده) دشمنان به مرز و بوم کشور اسلامی حمله کنند و جنگی پیش بیاید آن وقت ما می‌توانیم به جهاد برویم!

و صد البته بسیار سخت است که جان خویش بر کف بگیری و از همه دنیا دل بکنی و به جنگ دشمنان بروی!

خداوند، جهاد زنان را در همان محیط خانه و زندگیشان قرار داده است. و همان ثوابی را که جهاد کنندگان دارند به زنانی می‌دهد که خوب شوهرداری کنند.

راستی آیا فکر کرده‌ای که چرا شوهرداری کردن زنان، با جهاد مردان مقایسه شده است؟

اگر ما مردان به جهاد می‌رویم تا از کشور و ناموس اسلام دفاع کنیم، زنان مسلمان نیز با شوهرداری کردن از کانون خانواده دفاع می‌کنند.

حضرت علی علیه السلام با کلام خود به این نکته اشاره می‌کند که شوهرداری کردن اگر از روی عشق و صفا باشد یک نوع جهاد است، زیرا زنان با همین کار با فروپاشی خانواده، جنگ می‌کنند.

ای زنان مسلمان!

شما با خوب شوهرداری کردن، از مهم‌ترین رکن جامعه اسلامی محافظت می‌کنید همان‌طور که جهاد کنندگان از مرز خاکی کشور محافظت می‌کنند.

شما از حریم عشق و محبت حمایت می‌کنید تا در سرتاسر جامعه، محبت جوانه بزند، رشد کند و ثمر دهد.

اینکه شوهر شما مرد مهربانی باشد و شما با او بسازید که هنر نیست زیرا در این صورت، شما خوبی دیده‌اید و در مقابل خوبی کرده‌اید.

ولی اگر شوهر شما مردی باشد که گاه‌گاهی در حقوق شما کوتاهی کند ولی شما ایثار کنید و خوب شوهرداری کنید هنر کرده‌اید !
 اینجاست که خدا برای شما ثواب جهاد را می‌نویسد !
 آری، در سخن حضرت علی علیه السلام دقت کن، جهاد زن این است که بر آزار شوهر و سختگیری او در غیرت وزری صبر کند !
 این همان زنی است که ثواب یک روز شوهرداری او از چهل سال عبادت بیشتر است، این همان زنی است که درهای آسمان برای او باز می‌شود.
 آری، با وجودی که این زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و طلاق بگیرد، اما با این شوهر بد اخلاق می‌سازد و خدا هم این مقام و ثواب بزرگ را به او می‌دهد !

آرایش کردن برای شوهر

مراسم ازدواج یکی از دوستان من بود و و من هم به آن مجلس دعوت شده بودم.
 در آن میان، یکی دیگر از دوستان خود را دیدم که با او کار مهمی داشتم.
 بعد از مراسم، پیش او رفتم و خواستم در مورد مسأله‌ای با او سخن بگویم.
 ولی او گفت که من باید زود به خانه بروم و از من درخواست کرد که سخن در مورد آن مسأله را برای فرصت دیگری بگذارم.
 من گفتم: کجا با این عجله؟
 او گفت: می‌خواهم بروم همسرم را ببینم !
 من تعجب کردم مگر او همسرش را ندیده است؟
 او که تعجب مرا دید گفت:

امشب که شب عروسی است خانم من به خودش رسیده و لباس زیبا به تن کرده و من باید زود به منزل بروم (و قبل از آن که همسر من آن لباس‌های زیبا را با لباس‌های همیشگی خود عوض کند) او را ببینم !!

و او بعداً برایم گفت: «خانم من هر چه لباس کهنه و به درد نخور دارد مقابل من می‌پوشد و از هیچ آرایشی استفاده نمی‌کند، من باید خدا خدا کنم تا یک مجلس عروسی فرا برسد و همسر من لباس‌های زیبای خود را بپوشد و مقداری به خودش برسد، آن وقت او را زیبا ببینم».

به نظر شما چرا همسر او نباید بهترین لباس‌ها را برای شوهرش به تن کند و خود را برای او زینت کند؟

امام باقر علیه السلام فرمود: «زن نباید آرایش کردن برای شوهر را فراموش کند».⁵⁵ این که زن نباید خود را در مقابل نا محرم آرایش کند سخنی به حق است، اما سخن من در این است که در محیط خانه که غریبه‌ای نیست چرا بعضی از زنان، آنچنان که باید به زینت خود نمی‌پردازند؟

این دستور اسلامی است که زن باید خود را برای شوهرش آرایش نماید و خود را خوشبو کند.

مگر امام صادق علیه السلام نفرمود که بهترین زنان زنی است که برای شوهر خود خوشبو تر باشد.⁵⁶

یادم نمی‌رود که یک روز تلفن همراه من زنگ زد، وقتی من جواب دادم، صدای گریه خانمی را شنیدم.

من تعجب کردم و گفتم چه شده است؟

جواب شنیدم: «تو را به خدا به من کمک کنید، زندگی من دارد از هم می‌پاشد شوهر من به من علاقه ندارد و...».

من به او گفتم: خونسردی خود را حفظ کن و به سؤالهای من جواب بده !
و از او سؤال کردم که آیا خود را برای شوهرت، زینت می‌کنی؟
جواب او منفی بود.

من به آن خانم این دستوره‌ای ساده را دادم:
به موهای خود رنگ زیبایی بزن، یک لباس زیبا و جذاب تهیه کن، یک عطر خوش بو خریداری کن و آن لحظه‌ای که شوهرت به منزل می‌آید به استقبال او برو در حالی که:

گیسوان خود را شانه زده و مرتب کرده‌ای
لباس زیبا و جذاب بر تن نموده‌ای
خود را آرایش کرده و عطر خوبی زده‌ای
شوهرت را در آغوش بگیر !

او گفت که من خجالت می‌کشم، من تا به حال این کارها را نکرده‌ام !
من در جواب او گفتم که اگر زندگی خود را دوست داری این کار را بکن !
خلاصه آن‌که بعد از یک هفته همان خانم زنگ زد، اما این بار با شادمانی از من تشکر می‌کرد.

خواهرم !

آیا می‌دانید یکی از بهترین راههایی که می‌توانید علاقه شوهر خود را نسبت به خود بیشتر کنید از راه همین چشم‌ها و نگاه‌های شوهرتان می‌باشد؟
آیا می‌دانید که بیشتر مردان با آنچه که می‌بینند بر سر ذوق می‌آیند در حالی که زنان با شنیدن، ذوقشان گل می‌کند.

آری، راه نفوذ بر قلب شوهرتان همان چشم اوست !

برای خودتان لباس‌های زیبا و جذاب و گیرا و چشم‌نواز بخرید و آن لباس‌ها را برای شوهرتان بپوشید.

از همسر خود بخواهید همراه شما به خرید بیاید و لباسی را که از دیدن آن لذت می‌برد برای شما خریداری کند.

آیا می‌دانید بدترین صحنه‌ای که یک مرد در زندگی می‌بیند چیست؟
من این سؤال را از مردان زیادی پرسیده‌ام.
خیلی‌ها این جواب را داده‌اند:

این که چشمشان به همسرشان بخورد در حالی که لباسی، نامرتب بر تن دارد و موهایی ژولیده مانند سیم ظرف شویی داشته باشد!

چرا بعضی خانم‌ها وقتی قرار است به مهمانی بروند این قدر به خود می‌رسند، اما برای شریک زندگی خود، به ظاهر خود رسیدگی نمی‌کنند.

آیا می‌دانید که اگر به خودتان رسیدگی نکنید حق شوهر خود را ضایع کرده‌اید؟

آیا می‌دانید که یکی از حقوق شوهر که بر عهده شماست خوشبو بودن است؟
اگر موافق باشی قصه‌ای را برایت نقل کنم.

یک روز، یکی از زنان مدینه، پیش رسول خدا ﷺ آمد و از آن حضرت سؤال کرد: «ای رسول خدا! من می‌خواهم بدانم وظیفه من نسبت به شوهرم چه می‌باشد؟».

پیامبر در جواب آن زن فرمود: «خود را به بهترین عطرها خوشبو کنی، بهترین لباس‌های خود را بپوشی، بهترین زینتها را استفاده کنی، هر صبح و شب خود را بر او عرضه کنی».⁵⁷

خواهرم!

خوب می‌دانی که احکام دین اسلام برای سعادت ما می‌باشد.
لحظه‌ای فکر کن که اگر همه زنان مسلمان همین دستور پیامبر را انجام
می‌دادند زندگی‌ها چقدر با صفا بود؟
آری، خدا بر شوهر تو واجب کرده است تا کار و تلاش کند و نفقه شما را
تأمین کند.
خرج خورد و خوراک تو بر عهده مرد می‌باشد و او باید برای تأمین آن، هر
روز به دنبال کار برود.
آیا درست است که تو در وظیفه خود نسبت به شوهرت کوتاهی کنی؟
باید لباس زیبا بپوشی و عطر بزنی و آرایش کنی و خود را به شوهرت
عرضه کنی !
البتّه خود می‌دانی که باید مواظب باشی تا نامحرمی تو را نبیند و بوی خوش
تو را استشمام نکند چرا که اگر زنی برای نامحرم، خود را خوشبو کند نماز او
قبول نمی‌شود و مورد لعن و نفرین فرشتگان واقع می‌شود.⁵⁸
خواهرم !
بار دیگر سخن پیامبر را بخوان !
حالا دیگر با وظیفه خود آشنا شده‌ای !
پس برخیز و بهترین لباس خود را بپوش و خود را زیبا کن !
و همواره در زندگی به این دستور اسلامی، عمل کن تا کانون خانواده شما
همواره مستحکم بماند.

ثواب هزار شهید می‌خواهی؟

من دیگر خسته شده‌ام، نمی‌توانم با این مرد زندگی کنم، می‌خواهم طلاق بگیرم.

این سخنان خانمی بود که برای مشاوره پیش من آمده بود و تصمیم گرفته بود تا به زندگی زناشویی خود خاتمه ببخشد.

من هر چه با او سخن گفتم که در تصمیم خود عجله نکن، او قبول نمی‌کرد. آخر به او گفتم که شوهر شما چه مشکلی دارد که می‌خواهی از او جدا شوی؟

او چنین گفت: «شوهر من خیلی بداخلاق است، در خانه همیشه فریاد می‌کند، در این دو سال زندگی اصلاً با من خوش اخلاقی نکرده است».

من رو به آن خانم کردم و گفتم که آیا می‌دانی که شهید چقدر مقام دارد؟ او با تعجب به من گفت که من از اخلاق بد شوهرم به تنگ آمده‌ام تو به من می‌گویی که شهید چقدر ثواب دارد؟ من به او گفتم: کمی صبر داشته باش.

شهید کسی است که به بالاترین فضیلت رسیده است و نزد خدا مقامی بس بزرگ پیدا کرده است.

آری، شهادت بیشتر نصیب مردانی می‌شود که برای دفاع از اسلام به جنگ رفته‌اند و به این فیض بزرگ نائل شده‌اند.

آیا زنان از ثواب شهادت بی بهره‌اند؟

همان دینی که برای شهید این قدر ثواب بیان کرده است، برای زنان هم، راهی را قرار داده است تا به ثواب هزار شهید برسند.

اینجا دیگر آن خانم به سخنان من علاقمند شده بود و با دقت گوش می‌کرد. من ادامه دادم که در حدیث آمده است: «چند گروه از زنان در روز قیامت با حضرت زهرا علیها السلام محشور می‌شوند و خداوند ثواب هزار شهید به آنها می‌دهد. یکی از آن زنان، زنی است که بر بد اخلاقی شوهرش صبر کند».⁵⁹

آیا می‌دانی اگر بر این بد اخلاقی شوهرت صبر کنی خداوند ثواب هزار شهید به تو می‌دهد؟

آیا این مقدار ثواب، کم است؟

به راستی بقای کانون خانواده این قدر برای خداوند مهم است که حاضر است ثواب هزار شهید را به آن زنی بدهد که تلاش می‌کند تا یک خانواده از هم نپاشد.

شما در کجای دنیا می‌توانید چنین اهمیتی را که اسلام به خانواده داده است، بیابید !

آری، زنی که در زندگی خود با بد اخلاقی شوهر خود می‌سازد و نمی‌گذارد فرزندان او به «بچه‌های طلاق» تبدیل شوند، فداکاری بزرگی می‌کند و خداوند نیز در مقابل این فداکاری، ثواب هزار شهید به او می‌دهد. با شنیدن این سخنان، آن خانم به زندگی خود بازگشت.

بهترین شفیع برای یک خانم

آیا این صدا را می‌شنوی؟

من خانه تنهایی هستم، من خانه تاریکی هستم !

این صدای قبر من و تو است که هر روز این ندا را می‌دهد !

امام صادق علیه السلام فرمود که قبر هرروز این چنین سخن می‌گوید.⁶⁰

آیا برای تاریکی قبر فکری کرده‌ایم؟

ما سفری در پیش رو داریم که دیر یا زود فرا می‌رسد و باید برای خود زاد و توشه‌ای داشته باشیم.

شما فکر می‌کنید بهترین چیز برای انسان در آن لحظه چه می‌باشد؟

آن لحظه‌ای که همه، ما را تنها می‌گذارند.

همه دوستان و آشنایان، بعد از اینکه ما را به خاک سپردند به منزل

برمی‌گردند و ما می‌مانیم و یک دنیا تنهایی و تاریکی !

خواهرم !

آیا می‌خواهی سخن امام باقر علیه السلام را برایت ذکر کنم؟

آن حضرت در حدیثی فرمود که در شب اول قبر، هیچ چیز برای زن، بهتر از

رضایت شوهرش نیست !

آری، بهترین شفیع زن در قبر، رضایت شوهرش می‌باشد !

امام باقر علیه السلام ادامه می‌دهد:

وقتی که حضرت زهرا علیه السلام از دنیا رفت، حضرت علی علیه السلام او را به خاک

سپرد.

بعد از اینکه مراسم به خاک سپاری حضرت زهرا علیه السلام تمام شد حضرت

علی علیه السلام، کنار قبر همسر خود ایستاد و رو به آسمان کرد و با خدا چنین سخن

گفت: «بار خدایا ! من از دختر پیامبر تو راضی هستم».⁶¹

حضرت علی علیه السلام می‌داند که در آن لحظه هیچ چیز به اندازه رضایت شوهر،
برای حضرت زهرا علیها السلام مفید نیست برای همین این دعا را می‌کند !
خواهرم !

به حقّ حضرت زهرا علیها السلام به گونه‌ای زندگی کن که شوهر شما هم همین دعا
را برایت بکند !

چقدر خانم‌ها را دیده‌ام که چون از قبر و قیامت می‌ترسند، کارهای مستحبی
زیادی انجام می‌دهند، در حالی که حقوق واجب شوهر خود را مراعات نمی‌کنند
!

بعضی از آقایان به من مراجعه کرده‌اند و پیش من درد دل کرده‌اند که زن من
هر شب چهارشنبه، به جمکران می‌رود، و من از این کار او ناراضی هستم، امّا
هر چه به او می‌گویم که من راضی نیستم، او گوش نمی‌کند.
آخر کجا امام زمان علیه السلام، راضی است که زن بدون اجازه شوهر به جمکران
برود؟

آخر ما با این دردهای جامعه خود چه کنیم؟ با چه کسی سخن بگوییم؟
چرا بعضی از زنان جامعه باید این چنین از وظیفه خود بی‌اطلاع باشند !
از آن زمانی که عشق بدون معرفت، گریبان‌گیر جامعه ما شد، از آن زمان که
ما به دنبال کسب معرفت نرفته، اهل عرفان شدیم، این بلاها بر سر ما آمد.
خواهر من !

اگر می‌خواهی خدا به تو رحم کند،
اگر می‌خواهی برای سفر قبر و قیامت خود کاری کنی،
اگر می‌خواهی شب اول قبر شب راحتی تو باشد،
اگر می‌خواهی امام زمان علیه السلام از تو راضی باشد،

کاری کن که شوهرت از تو راضی باشد.
اما ای آقای محترم، با شما هستم،
می‌دانم که همسرت را خیلی دوست داری!
او در زندگی شما خیلی زحمت می‌کشد و برای راحتی شما چه سختی‌ها را
تحمل می‌کند!

بیا الآن، عهده‌ی با خودت ببند!
اگر تقدیر این گونه بود که بعد از صد سال، همسر تو زودتر از تو جان به
جان آفرین تسلیم کرد، همان کاری که حضرت علی علیه السلام انجام داد، تو هم انجام
بده.

تو نباید بعد از آن‌که همسر مهربانت را دفن کردند زود به خانه برگردی!
اگر می‌خواهی به همسرت کمکی کرده باشی، اگر می‌خواهی که زحمات او را
بی پاسخ نگذاری! باید این کاری را که می‌گویم بکنی!
در این لحظه حساس، همسر تو محتاج آن دعای توست!
شاید هم از او در زندگی مشترک مقداری گِله داشتی اما دیگر وقت این
حرفها نیست!

خودت را جای او بگذار!
تو باید او را کمک و یاری کنی! او سخت‌ترین لحظه‌ها را سپری می‌کند!
آری، تو وضو می‌گیری و می‌آیی کنار قبر همسر خود می‌ایستی و
دست‌هایت را به سوی آسمان بلند می‌کنی و چنین می‌گویی:
خدایا!

من از همسر خود راضی هستم!
و چون خداوند این سخن تو را می‌شنود رحمت را بر همسر تو نازل می‌کند.

هیچ وقت نگو که خدا می‌داند که من از او راضیم.
مگر خدا نمی‌دانست که حضرت علی علیه السلام از حضرت زهرا علیها السلام راضی است،
اما در گفتن این جمله کنار قبر، رازی نهفته است که حضرت علی علیه السلام، همین
جمله را کنار قبر همسرش می‌گوید.

خدا همه گناهان تو را بخشید !

آیا تا به حال کربلا رفته‌ای؟

خوشا به حالت آن وقتی که در «بین الحرمین» قدم بر می‌داشتی و زمزمه می‌کردی:

حال اگر کربلا رفتی و آداب این سفر را مراعات کردی خداوند ثواب زیادی به تو می‌دهد.

سخن گفتن در مورد آداب کربلا، نیاز به فرصت دیگری دارد ولی در اینجا به این نکته اشاره می‌کنم که امام صادق علیه السلام خطاب به آنان که کربلا می‌روند، اما آداب این سفر را رعایت نمی‌کنند فرمود: «اگر به کربلا نروید بهتر است».⁶² یکی از یاران امام صادق علیه السلام، چون این سخن را از آن حضرت شنید عرض کرد: «مولای من! با این سخن کمر مرا شکستی؟ چرا این چنین سخن می‌گویی؟».

حتما تو همین سؤال را می‌کنی، مگر زیارت کربلا مورد تأکید واقع نشده است، پس چرا امام صادق علیه السلام این گونه سخن می‌گوید؟ علت آن این است که در کربلا باید همواره غمناک باشی و در آن سرزمین خنده نکنی و عطر نزنی و...

به هر حال، چون زائر واقعی امام حسین علیه السلام می‌خواهد از کربلا برگردد فرشته‌ای او را ندا می‌کند که خدا گناهان تو را بخشید و پرونده اعمال تو پاک شد.

آیا می‌دانی وقتی مادری نوزاد خود را بزرگ کرده و آن نوزاد از شیر گرفته شد فرشته‌ای می‌آید و خطاب به مادر می‌کند و با او سخن می‌گوید؟
خواهرم!

آیا آن صدا را شنیده‌ای؟
آن فرشته چه می‌گوید؟
پیامبر فرمود که آن فرشته چنین می‌گوید: «خدا گناهان تو را بخشید و
پرونده اعمال تو پاک شد».⁶³
آری، مادری که فرزند خود را یک سال و نیم یا بیشتر شیر داده است،
شایسته دریافت جایزه بزرگی است!
و خداوند همان جایزه‌ای را که به زائر کربلا می‌دهد به این مادر می‌دهد.
خواهرم!
آیا باز هم می‌گویی که خدا بین مردان و زنان فرق گذاشته است؟
و تو می‌دانی که من نمی‌خواهم ثواب زیارت کربلا را کمرنگ کنم بلکه من
می‌خواهم ثواب شیر دادن به فرزند را برایت بیان کنم.
تو باید در هنگامی که به فرزند خویش شیر می‌دهی چنان احساس غرور و
افتخار کنی که همه حسرت آن احساس درونی تو را داشته باشند.
لیوان آبی که عبادتی بزرگ است!
همسر تو از صبح زود به محل کار رفته است و چه زحماتی را کشیده تا
بتواند زندگی بهتری برای خانواده خود فراهم کند.
اکنون دیگر نزدیک است که به خانه برگردد.
چه چیزی می‌تواند خستگی او را بر طرف کند؟
آیا چیزی جز محبتی که از همسر خود می‌بیند این خستگی را از دل
و جان او بزدايد؟

شوهرت به خانه آمده است و تو مثل همیشه یک فنجان چای یا یک لیوان نوشیدنی برای او می‌آوری !

شوهرت این چای یا نوشیدنی را در دست تو می‌بیند که با چه عشقی به او تقدیم می‌کنی .

و شاید به من بگویی: «من هم خسته‌ام، در خانه کار زیاد انجام داده‌ام، خوب چه اشکال دارد آقای شوهر، خودش برود و چای بریزد و بخورد؟».

من در جواب تو می‌گویم:

اشکالی ندارد، اما من دوست ندارم تو یک ضرر بزرگ بکنی !

و حتماً با خود می‌گویی یک لیوان آب یا یک فنجان چای دست شوهر ندادن دیگر این قدر بزرگ نمایی ندارد؟

آیا موافقی حدیث رسول خدا را برای تو بخوانم؟

آن حضرت فرمود: «هر زنی که به شوهر خود، آب گورا بدهد و او را سیراب سازد بداند که این کار او از یک سال عبادت بهتر است، یک سال عبادتی که شب‌ها تا به صبح مشغول نماز باشد و روزها روزه بگیرد».⁶⁴

خواهرم !

حتماً تعجب کردی که چرا پیامبر یک لیوان آب دست شوهر دادن را بالاتر از یک سال نماز شب خواندن و یک سال روزه گرفتن می‌داند !

تعجب نکن !

نگاهی به جامعه فعلی ما بینداز، ببین آمار طلاق چقدر بالا رفته است !

ببین همه هشدار می‌دهند که در جامعه باید کانون خانواده‌ها را استحکام بخشید !

آری، این کلام رسول خدا ﷺ را باید زنانی بشنوند بدترین رفتار را با شوهر خود دارند!

اگر زنانی که مشتاق کمال معنوی هستند این حدیث را بشنوند حتماً سعی می‌کنند که بهتر شوهر داری بنمایند.
خواهرم!

ممکن است شوهر شما صبح با حالت قهر و غضب خانه را ترک کرده باشد و واقعاً هم حق با شما باشد، اما شما برای این که ثواب یکسال روزه و نماز شب را داشته باشید، بزرگواری کن و با یک لیوان شربت، از شوهر خود پذیرایی کن! تو این کار را به خاطر خدا و به خاطر خودت، انجام بده!

آری، من نمی‌گویم به خاطر شوهرت، من می‌گویم چه طور شما در دل شب، وقتی همه خواب هستند بلند می‌شوی وضو می‌سازی و رو به قبله می‌ایستی و نماز شب می‌خوانی، آیا قصد قربت نمی‌کنی؟

یک لیوان شربت خوشمزه آماده کن و آن را پیش شوهرت ببر!
نگو من کوچک می‌شوم، تو داری با خدا معامله می‌کنی، چه کار به این داری که شوهرت چه فکری می‌کند.

اکنون به جاست که به تو بگویم: «عبادت قبول!».
آری، این یک لیوان شربت که به دست شوهرت دادی عبادت بود، آن هم چه عبادتی!

به امید آن روزی که همه زنان جامعه ما محبت به همسر را از بزرگ‌ترین عبادتها بدانند.

بهترین راه آمرزش گناهان

همه ما می‌دانیم که گناه و معصیت، روح انسان را آلوده می‌کند و مانع بزرگی برای رشد و کمال او محسوب می‌شود.

گناه باعث سیاهی قلب انسان می‌گردد، به طوری که دیگر او لذت مناجات با خداوند را درک نمی‌کند و نمی‌تواند با او معاشقه نماید و در درگاه او قطره اشکی بریزد.

این گناه است که انسان را از نماز شب محروم می‌دارد و هم‌چنین مانع باریدن باران می‌شود و موج بلا را به سوی انسان می‌کشد.⁶⁵ به همین دلیل انسان باید برای بخشش گناهانش فکری بکند تا اثرات آن بیش از این در زندگی او باقی نماند.

البته گناهانی که مربوط به حق الناس است باید نسبت به پرداخت حق مردم اقدام نمود، اما سؤال این است گناهانی را که مربوط به حق الله است چگونه از پرونده اعمال خود پاک کنیم؟
خواهرم !

آیا اطلاع دارید پیامبر خدمت کردن به همسر را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بخشش گناهان معرفی کرده است؟
آن حضرت فرمود: «چون زنی به شوهر خود آب گوارایی بدهد خداوند شصت گناه او را می‌بخشد».⁶⁶

آری، اگر چشم باطن می‌داشتی می‌دید که چگونه گناهانت هنگامی که به شوهر خود خدمت می‌کنی از وجودت فرو می‌ریزد.

در آن موقع که با عشق، به همسر خود خدمت می‌کنی، دقت کن که چگونه در وجودت نشاط و شادمانی موج می‌زند و گویی که روح ت سبک شده است. این نشاط و سبکی برای این است که روح تو از تیرگی گناهان پاک شده است، گویی آن زنجیرهایی که از گناهان به پای روح شما بسته شده بود باز شده و برای همین است که روح تو می‌تواند آزادانه پرواز کند.

تصور کنید یک نفر مثلاً یک هفته بدن خود را شستشو نداده حال که بعد از یک هفته به حمام می‌رود و بدن خود را تمیز می‌کند یک احساس سبکی و راحتی به او دست می‌دهد، چون که بدنش تمیز شده و آلودگی‌ها از آن پاک شده است.

همین طور وقتی شما برای همسر خود یک نوشیدنی می‌بری و خدمت او را می‌کنی، گناهان از صفحه روح شما زدوده می‌شود، در نتیجه شما احساس سبکی و نشاط می‌کنی.

خلاصه کلام آن‌که همانطور که اسلام نماز و روزه، استغفار، دعا و گریه را برای پاک شدن گناهان معرفی می‌کند خدمت کردن به شوهر را به عنوان یکی از بهترین راههای بخشش گناه اعلام می‌نماید.

پس برای این‌که به بخشش الهی برسی به شوهر خود توجه بیشتری کن و تمام عشق و محبتی را که انتظارش را داری، به همسر خود هدیه کن تا طوفانی سهمگین بر برگ برگ گناهانت وزیدن کند و مشمول بخشش بی انتهای خداوند شوی.

اتاق تنهایی شوهرت را بشناس !

وقتی برای تو مشکلی پیش می‌آید چه کار می‌کنی؟

درست است، تلاش می‌کنی تا یک نفر را بیابی که با او درد دل کنی و از این راه، مقداری آرام بشوی.

آری، برای زنان، درد دل کردن یک نیاز طبیعی برای رفع فشارهای روحی می‌باشد.

برای همین است که وقتی متوجه می‌شوی برای شوهرت مشکلی پیش آمده است نزد او می‌روی تا با او سخن بگویی، چون فکر می‌کنی او هم مثل تو نیاز به همدردی دارد، اما این کار تو نه تنها به شوهرت کمکی نمی‌کند بلکه موجب آزار او می‌شود.

حتما تعجب می‌کنی!

آری، جای تعجب هم دارد و تو نمی‌دانی که چقدر خانواده‌ها به خاطر ندانستن این موضوع با مشکل روبرو شده‌اند.

حالا من می‌خواهم یک «راز مردانه» را یاد تو بدهم و فکر نمی‌کنم شوهرت تا به حال آن را به تو گفته باشد.

وقتی یک مرد با مشکلی روبرو می‌شود دوست دارد به گوشه تنهایی برود و در پشت دیوار سکوت پناه بگیرد.

آری، حتما دیده‌ای که شوهرت از محل کار به خانه آمده است و در دنیای خود فرو رفته است!

درست این همان لحظه‌ای است که شوهر شما به «اتاق تنهایی» خود رفته است.

تو باید بدانی که شوهر شما به جای آن‌که با دیگران درد دل کند دوست دارد در تنهایی، به مشکل خود فکر کند و خودش راه حلی پیدا کند و وقتی به راه

حلّ مفیدی رسید و به آرامش خود دست یافت از آن حالت انزوا خارج می‌شود.

آری، زنان با همصحبتی با دیگران به آرامش می‌رسند، اما مردان با فکر کردن و یافتن راه حلّ است که به آرامش می‌رسند.

پس بگذار شوهرت در مسیر یافتن راه حل گام بردارد و چون راه حل مشکل خود را یافت و به آرامش رسید خودش سراغ تو خواهد آمد.

او در موقعی که در اتاق خلوت خودش است 95% حواسش به مشککش می‌باشد و برای همین نمی‌تواند در این لحظه، نیاز محبت تو را پاسخ بدهد.

تو باید در این موقع صبر کنی و نگران هم نشوی و بدانی که این حالت شوهرت کاملاً طبیعی است.

به زودی او از اتاق خلوت خود بیرون می‌آید و دوباره همان شوهر مهربان تو می‌شود به شرط این که او را مقداری، راحت بگذاری.

پس به من قول بده وقتی دیدی شوهرت، در فکر فرو رفته است، لحظاتی او را به حال خودش بگذاری و این قدر نگران نشوی.

از امروز دیگر از این رفتار شوهر خود نگران نمی‌شوی چون آن را طبیعی می‌دانی و خوب می‌دانی که اگر شوهرت در دنیای خود فرو رفته است به هیچ وجه از تو و زندگی تو ناراحت نیست بلکه دارد در اتاق تنهایی خود سیر می‌کند و به زودی به اتاق عشق باز خواهد گشت.

سکوت شوهرت را درست معنی کن !

حتماً در زندگی شما پیش آمده است که شوهر شما مدّتی در سکوت فرو رفته است.

من زنان زیادی را دیده‌ام که سکوت شوهر خود را این گونه معنی کرده‌اند: «شوهر من با این کار به من پیام می‌دهد که دیگر از من سیر شده است». وقتی مردان می‌فهمند که همسرشان سکوت آنها را این گونه معنی کرده نزدیک است که از تعجّب شاخ در بیاورند !

اما علّت این که زنان سکوت شوهر خود را این گونه تفسیر می‌کنند چیست؟ وقتی در ویژگی زنان دقّت می‌کنیم می‌بینیم که یک زن، زمانی سکوت می‌کند که طرف مقابل خود را قابل اعتماد نمی‌یابد و برای همین خیال می‌کند اگر شوهر او سکوت کرده برای این است که به او اعتماد ندارد.

این فکر غلطی است چون سکوت زن و مرد با هم فرق دارد، آری، زن سکوت می‌کند چون به طرف مقابل خود اعتماد ندارد، اما مرد سکوت می‌کند چون می‌خواهد فکر کند و راه حلی پیدا کند.

جالب است بدانید که مرد با سکوت، فکر می‌کند، اما زن با سخن گفتن، فکر می‌کند.

خوب است مقداری در این باره توضیح بدهم:

آیا می‌دانید هدف زنان از سخن گفتن چیست؟

جواب این سؤال خیلی عجیب است: هدف زنان از سخن گفتن، رسیدن به

چیزهایی است که مردان برای رسیدن به همان چیزها سکوت می‌کنند.

اینجاست که مرد و زن باید ویژگی‌های یکدیگر را خوب بشناسند تا بتوانند زندگی سعادتمندی داشته باشند.

در اینجا به دو هدف مشترکی اشاره می‌کنم که زن و مرد برای رسیدن به آنها، دو راه متفاوت طی می‌کنند:

الف . فکر کردن و پردازش نمودن اطلاعات

هنگامی که در زندگی و یا کار یک مرد مسأله‌ای پیش می‌آید که باید در مورد آن فکر شود، مرد سکوت می‌کند و به فکر کردن و پردازش اطلاعات می‌پردازد، ولی درست در همین شرایط، زن نیاز دارد تا یک نفر را پیدا کند و با او سخن بگوید و به این وسیله پردازش اطلاعات نماید.

رسیدن به آرامش و بدست آوردن روحیه خوب.

مرد وقتی با ناراحتی و نگرانی روبرو می‌شود سکوت می‌کند و می‌خواهد از این راه به آرامش برسد و از فشار نگرانی خود فرار کند، اما زن، هنگامی که با استرس روبرو می‌شود شروع به سخن گفتن می‌کند.

خواهرم !

اکنون هرگاه دیدی که شوهر تو سکوت اختیار کرده است این‌گونه به او کمک کن:

الف . از حالت سکوت و خاموشی او انتقاد نکن.

ب . کوشش نکن تا با سخنان خود او را در حلّ مشکلتش، یاری نمایی.

ج . انتظار نداشته باش که در این شرایط، او احساسات خود را برای شما بیان کند.

د . خونسردی خود را حفظ کن.

وقتی شوهرت از تو فاصله می‌گیرد
 بارها پیش آمده است دیده‌ای که شوهرت ، به یکباره، نسبت به تو بی‌خیال و
 بی‌احساس می‌شود.

آقای شوهر از تو فاصله می‌گیرد و دیگر توجهی به تو نمی‌کند.
 هر چه فکر می‌کنی که چه اشتباهی مرتکب شده‌ای به نتیجه‌ای نمی‌رسی،
 ولی بعد از مدتی می‌بینی که سر و کله همان آقای شوهر مهربان پیدا شد.
 خواهرم !

آیا می‌دانی همه مردان دنیا این طوری هستند؟
 این یک ویژگی مردانه است، خوب گوش کن !

ما مردان، گاهی از چیزهای مورد علاقه خود فاصله می‌گیریم، اما بعد از
 مدتی با عشق بیشتری به سوی آنها باز می‌گردیم.

پس اگر شوهر تو هم مثل بقیه مردان، گاهی از تو فاصله می‌گیرد نگران
 نباش !

چقدر خانم‌ها را دیده‌ام که چون شوهرشان از آنها فاصله گرفته است نگران
 شده‌اند.

آری، یک زن فقط وقتی از شوهر خود فاصله می‌گیرد که از او رنجیده باشد
 برای همین زن خیال می‌کند اکنون که شوهرش از او فاصله گرفته پس حتماً از
 او رنجیده شده است.

نه، این طور نیست، ممکن است اصلاً شوهرتان از شما رنجیده نشده باشد،
 اما نیاز داشته باشد مدتی از شما فاصله بگیرد.

و حق داری بگویی که دنیای شما مردان دنیای عجیبی است !
 تو باید این مطالب را بدانی !

تو می خواهی یک عمر با شوهرت زندگی کنی پس چقدر ویژگی های او را می شناسی؟

گاهی مرد بدون آن که خودش هم دلیل آن را بداند احساس می کند که باید از همسرش فاصله بگیرد، اما بعد از مدتی دوباره به سوی همسرش بر می گردد و با شدت بیشتری به او اظهار علاقه می کند.

شما باید بدانید که او از شما فاصله می گیرد تا استقلال خود را به دست آورد.

در صورتی که شما شوهر خود را از نیاز خود محروم کنید در واقع فرصت اندیشه کردن درباره عشق را از او گرفته اید.

شوهر شما وقتی در عشق ورزی به کمال رسید بعد از مدتی، یاد استقلال خود می افتد و برای رسیدن به آن استقلال از شما فاصله می گیرد.

شما نباید از چیزی بترسید، مقداری صبر کنید وقتی نیاز او به استقلال ارضاء شد، آن وقت می بینی با دنیایی از عشق به سوی شما باز می گردد.

برای همین اگر گاهی شوهرتان خواست بدون شما و با دوستان خود به گردش برود به او این اجازه را بده تا نیاز او به عشق ورزیدن به تو زنده شود.⁶⁷

چند پیشنهاد برای خانم‌ها

- 1 - سعی کنید لطافتی را که در بوی خوش نهفته است کشف کنید.
مجموعه‌ای از عطرهاى خوب تهیه کنید و هر شب، یکی از آنها را استفاده کنید و از شوهرتان بخواهید تا به شما بگوید از کدام عطر بیشتر خوشش می‌آید. وقتی که متوجه شدید که شوهر شما با چه عطری بیشتر ذوق می‌کند همواره آن عطر را استفاده کنید.
- 2 - وقتی قرار است مهمان بیاید خانه را به چه شکلی در می‌آوری؟
همین امشب همه آن کارها را انجام بده! خانه را مرتب کن و شام خوشمزه‌ای تهیه کن!
زیباترین لباس خود را بپوش!
اگر بتوانی چند شاخه گل روی میز بگذار.
شوهرت وارد خانه می‌شود و سؤال می‌کند که آیا امشب مهمان داریم؟
و تو می‌گویی:
«بله، عزیزترین عزیزانم مهمان من است!».
و با دست اشاره به شوهرت می‌کنی!
آری، تو بهترین مهمانی هستی که خدا به من داده است.
- 3 - راه نفوذ بر قلب شوهر، چشم اوست، پس تلاش کن که او را از راه آنچه می‌بیند مجذوب خود کنی!
امروز به مغازه برو و چند شمع بزرگ و زیبا خریداری کن!
نور شمع یکی از راههای آسان و موثر برای ایجاد محیط صمیمی است.

اگر به رستورانهای درجه یک رفته باشی می بینی که آنها با روشن کردن چند شمع و استفاده از نور آن، محیطی دوستانه و پر از لطافت به وجود می آورند !
ساعتی را مشخص کن به عنوان ساعت عشق و مکان خاصی از خانه را به عنوان اتاق عشق !

شمع ها را آنجا روشن کن !
و شوهرت را به آنجا دعوت کن !
نور ملایم شمع بر آن فضا می تابد و شوهر شما وارد آنجا می شود.
آیا می دانی اگر مرد در چنین محیطی قرار بگیرد بی درنگ احساس آرامش می کند !

نور شمع باعث می شود تا حالتی خوشحال کننده پیش بیاید !
شوهر شما سؤال می کند که این کارها برای چیست؟ و شما در جواب می گویی:

«نور قرمز شمع، نور عشق است، و از قلب من، همواره نور عشق بر وجود تو می تابد».

4 - برای آن که یک احساس خوب به شوهرتان بدهید لازم نیست کارهای زیادی انجام دهید، آری، گاه یک لبخند، یک بوسه کفایت می کند، در این جاست که شوهر شما به زندگی خود می بالد.

شما باید بدانید به خاطر خوشبختی خودتان هم که شده باید همسر شاد و خوشحالی داشته باشید برای همین تلاش کنید تا اسباب شادمانی او را فراهم سازید.

در درون شوهر شما، کودک کم سن و سالی است که نیاز به مراقبت دارد، شما باید آن کودک درون همسر خود را نوازش کنید.

شاید باور نکنید وقتی شوهر شما خسته از محل کار بر می‌گردد و شما به استقبال او می‌روید و یک فنجان چای تازه دم به او می‌دهید، چقدر شوهرتان احساس خوشبختی می‌کند.

5 - وقتی شوهرتان از محل کار به خانه می‌آید بد اخلاقی را کنار بگذارید و سعی کنید به روی او لبخند بزنید.

عادت کنید که به مدت یک ساعت بعد از آمدن شوهرتان به خانه، هیچ حرف ناخوشایندی نزنید.

او نیاز به استراحت فکر دارد، بگذارید مقداری ذهن او آرام بگیرد، بعد از یک ساعت اگر حرفی دارید با او در میان بگذارید.

6 - آیا می‌دانید بهترین زنان چه کسی است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بهترین زنان زنی است که چون با شوهرش خلوت کند لباس حیا را از تن بکند و چون از خانه بیرون رود، لباسی از حیا و عفت بر تن کند».⁶⁸

آری، حیا و عفت چیز خوبی است، اما نه در مقابل شوهر خودت! این دستور اسلام است که زن هنگامی که با شوهر خود خلوت می‌کند، بایستی برای شوهر خود طنازی و عشوه‌گری کند و هر گونه پرده و حجاب میان خود و شوهرش را بردارد.

او باید حالت خجالت را در هنگامی که با شوهر است کنار بگذارد تا غریزه جنسی شوهر او به شکلی حلال و کامل و درست اشباع گردد در این صورت است که وقتی مرد به محل کار می‌رود دیگر هیچ مجالی برای توجه به زنان دیگر پیدا نمی‌کند.

پیامبر بهترین زنان را زنی معرفی می‌کند که نسبت به شوهر خود حالتِ شهوت بیشتری داشته باشد.⁶⁹

7 - از باغچه خانه خود مقداری گل زیبا و خوش بو بچین.
شاید هم اصلاً خانه شما باغچه‌ای ندارد، خوب اشکال ندارد می‌توانی چند شاخه گل از گل‌فروشی خریداری کنی.
شب که شد قبل از اینکه شوهر شما به بستر برود گلبرگ‌های آن گل‌ها را بر روی بستر او بپاش.

هنگامی که همسر شما می‌آید تا استراحت کند به او این چنین بگو:
«زندگی کردن با تو برایم مانند بستری از گل‌های زیباست».
اکنون در بستری از گلبرگ در کنار همسر خود باشید و از کنار هم بودن لذت ببرید.

گلبرگ گل‌ها می‌تواند خستگی‌های همسران را بر طرف کند و به او انرژی مثبت و شادمانی بدهد.

امیدوارم این کتاب توانسته باشد محبت شما را نسبت به همسران، زیاده‌تر نموده و کانون خانواده شما را پر از عطر خوش عشق و دوستی کرده باشد.
«پایان»

منابع

- 1 . أسد الغابة، ابن الأثير، (630 ق)، دار الكتاب العربي، بيروت.
- 2 . الإصابة، ابن حجر، (852 ق)، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي محمد معوض، الطبعة الأولى، 1415 ق، دار الكتب العلمية، بيروت.
- 3 . إعلام الوري بأعلام الهدى، الشيخ الطبرسي، (548 ق)، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، الطبعة الأولى، 1417 ق، قم.
- 4 . إقبال الأعمال، السيّد ابن طاووس، (664 ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، الطبعة الأولى، مكتب الإعلام الإسلامي، قم.
- 5 . الأمالي، الشيخ الصدوق 381، الطبعة الأولى، 1417 ق، مؤسسة البعثة، قم.
- 6 . الأمالي، الشيخ الطوسي، (460 ق)، الطبعة الأولى، (1414 ق)، دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، قم.
- 7 . بحار الأنوار، العلامة المجلسي، (111 ق)، الطبعة الأولى، 1403 ق ، دار إحياء التراث العربي، بيروت.
- 8 . البداية و النهاية، ابن كثير، (774 ق)، تحقيق: علي شيري، الطبعة الأولى، 1408 ق، دار إحياء التراث العربي، بيروت.
- 9 . بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم، محمّد بن علي الطبري، (525 ق)، تحقيق: جواد القيومي، الطبعة الأولى، 1420 ق، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرّسين، قم.
- 10 . تاج العروس، الزبيدي، (1205 ق)، تحقيق علي شيري، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- 11 . تاريخ بغداد، الخطيب البغدادي، (463 ق)، تحقيق مصطفى عبد القادر عطاء، الطبعة الأولى، دار الكتب العلمية، بيروت.
- 12 . تحف العقول، ابن شعبة الحراني، (القرن الرابع) تحقيق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الثانية، 1404 ق، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرّسين، قم.
- 13 . تحفة الأحوذى، المباركفوري (1282 ق)، الطبعة الأولى، 1410 ق، دار الكتب العلمية، بيروت.

- 14 . تفسير العيّاشي، محمد بن مسعود العيّاشي، (320 ق)، تحقيق: الحاج السيّد هاشم الرسولي المحلاتي، مكتبة العلمية الإسلامية، طهران.
- 15 . تهذيب الأحكام، الشيخ الطوسي، (460 ق)، تحقيق وتعليق: السيّد حسن الموسوي، الطبعة الثالثة، 1364 ش، دار الكتب الإسلامية، طهران.
16. تهذيب التهذيب، ابن حجر، (825 ق)، الطبعة الأولى، 1404 ق، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
17. تهذيب الكمال، جمال الدين يوسف المزي، (724 ق)، تحقيق الدكتور بشّار عواد معروف، الطبعة الرابعة، مؤسّسة الرسالة، بيروت.
- 18 . الثقات ، ابن حبان (354 ق) ، الطبعة الأولى ، 1393 ق ، مجلس دائرة المعارف بحيدر آباد ، مؤسّسة الكتب الثقافية ، هند .
- 19 . ثواب الأعمال، الشيخ الصدوق، (381 ق)، الطبعة الثانية، 1368 ش، منشورات الشريف الرضي، قم.
- 20 . جامع أحاديث الشيعة، السيّد البروجردي، (1383 ق)، المطبعة العلمية، قم.
- 21 . جامع الرواة ، محمد علي الأردبيلي (1101 ق) ، مكتبة المحمّدي .
- 22 . جامع السعادات، محمد مهدي النراقي (1209) تحقيق السيّد محمد كلانتر، دار النعمان للطباعة والنشر، نجف.
- 23 . الجامع الصغير، جلال الدين السيوطي، (911 ق)، الطبعة الأولى، 1401 ق ، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- 24 . الحدائق الناضرة، المحقّق البحراني، (186 ق)، تحقيق وتعليق وإشراف: محمد تقى الإيرواني، مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين، قم.
- 25 . الخصال، الشيخ الصدوق، (381 ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، منشورات جماعة المدرّسين في الحوزة العلمية، قم.
- 26 . الدر المنثور، جلال الدين السيوطي، (911 ق)، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت.
- 27 . الدرّ النظيم، ابن حاتم العاملي، (664 ق)، مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين، قم.
- 28 . دستور معالم الحكم، ابن سلامة، (454 ق)، مكتبة المفيد، قم.
- 29 . دعائم الإسلام، القاضي النعمان المغربي، (363 ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، مؤسّسة آل البيت عليه السلام بالأوفسيت عن طبعة دار المعارف في القاهرة.

- 30 . الدعوات، قطب الدين الراوندى، (573 ق)، الطبعة الأولى، 1407 ق، مدرسة الإمام المهدي، قم.
- 31 . الديباج على مسلم، جلال الدين السيوطي، (911 ق)، الطبعة الأولى، 1416 ق، دار ابن عفان للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية.
- 32 . رجال ابن داوود، ابن داوود الحلّي، (740 ق)، تحقيق: السيّد محمد بحر العلوم، الطبعة الأولى، منشورات الرضى، قم.
- 33 . رجال الطوسي، الشيخ الطوسي، (460 ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، الطبعة الأولى، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين، قم.
- 34 . روضة الواعظين، الفتال النيشابوري، (508 ق)، تحقيق: محمد مهدي الخراسان، منشورات الشريف الرضى، قم.
- 35 . سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد القزويني (273 ق) تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفكر، بيروت.
- 36 . سنن أبي داوود، ابن الأشعث السجستاني، (275 ق)، تحقيق وتعليق: سعيد محمد اللحام، الطبعة الأولى، 1410 ق، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- 37 . سنن الترمذی، الترمذی، (279 ق)، تحقيق وتصحيح: عبد الرحمن محمد عثمان، الطبعة الثانية، 1403 ق، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- 38 . السنن الكبرى، البيهقي، (458 ق)، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- 39 . شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، (656 ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مؤسسة مطبوعاتي إسماعيليان، قم بالأوفسيت عن طبعة دار إحياء الكتب العربية.
- 40 . صحيح البخاري، البخاري، (256 ق)، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع بالأوفست عن طبعة دار الطباعة العامة بإستانبول.
- 41 . صحيح مسلم، مسلم النيسابوري، (261 ق)، دار الفكر، بيروت، لبنان، طبعة مصحّحة مقابلة على عدّة مخطوطات ونسخ معتمدة.
- 42 . صفات الشيعة، الشيخ الصدوق، (381 ق)، انتشارات عابدي، تهران.
- 43 . الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، (230 ق)، دار صادر، بيروت.
- 44 . عمدة القاري، العيني، (855 ق)، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
- 45 . عيون أخبار الرضا عليه السلام، الشيخ الصدوق، (381 ق)، تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، 1404 ق، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت.

- 46 . الغدير، الشيخ الأميني، (1392 ق)، الطبعة الرابعة، 1397 ق، دار الكتب العربي، بيروت.
- 47 . فتح الباري، ابن حجر، (852 ق) الطبعة الثانية، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت.
- 48 . فصول المهمة في أصول الأئمة، الحرّ العاملي، (1104 ق)، تحقيق محمد القائني، الطبعة الأولى، 1418 ق، مؤسسة إسلامي إمام رضا عليه السلام.
- 49 . فضائل الأشهر الثلاثة، الشيخ الصدوق (381 ق) تحقيق: غلامرضا عرفانيان، الطبعة الثانية.
- 50 . فقه الرضا، على بن بابويه، (329 ق)، الطبعة الأولى، 1406 ق، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم.
- 51 . القاموس المحيط، الفيروز آبادي، (817 ق)، الطبعة الأولى.
- 52 . قرب الإسناد، الحميري القمي، (300 ق)، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم.
- 53 . الكافي، الشيخ الكليني، (329 ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الخامسة، دار الكتب الإسلامية، طهران.
- 54 . كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، (367 ق)، الطبعة الأولى، 1417 ق، مؤسسة نشر الفقاهة.
- 55 . كمال الدين وتمام النعمة، الشيخ الصدوق، (381 ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، 1405 ق، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم.
- 56 . كنز العمال، المتقي الهندي، (975 ق)، ضبط وتفسير: الشيخ بكرى حياني، تصحيح وفهرسة: الشيخ صفوة السقا، 1409 ق، مؤسسة الرسالة، بيروت.
- 57 . لسان العرب، ابن منظور، (711 ق)، الطبعة الأولى، نشر أدب الحوزة، قم.
- 58 . مجمع البحرين، الشيخ الطريحي، (1085 ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، الطبعة الثانية، 1408 ق، مكتب النشر الثقافة الإسلامية.
- 59 . مجمع الزوائد، الهيتمي، (807 ق)، الطبعة الأولى، 1408 ق، دار الكتب العلمية، بيروت.
- 60 . المحاسن، أحمد بن محمد بن خالد البرقي، (274 ق)، تحقيق: سيد جلال الحسيني، دار الكتب الإسلامية، طهران.
- 61 . المزار، محمد بن المشهدي، (610 ق)، تحقيق: جواد القيومي، الطبعة الأولى، 1419 ق، نشر القيوم، قم.
- 62 . المستدرک، الحاكم النيسابوري، (405 ق)، إشراف: يوسف عبد الرحمن المرعشلي، طبعة مزينة بفهرس الأحاديث الشريفة.

- 63 . مستدرک الوسائل، الميرزا النوري، (320 ق)، الطبعة الأولى، 1408 ق، مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، قمّ.
- 64 . مستطرفات السرائر، ابن إدريس الحلّي، (598 ق)، الطبعة الثانية، 1411، مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرّسين بقمّ.
- 65 . مسند أبي يعلى، أبو يعلى الموصلي، (307 ق)، تحقيق حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث.
- 66 . مسند أحمد، أحمد بن حنبل، (241 ق)، دار صادر، بيروت.
- 67 . مسند الشهاب، ابن سلامة، (454 ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، الطبعة الأولى، مؤسّسة الرسالة، بيروت.
- 68 . المعجم الأوسط، سليمان بن أحمد الطبراني، (360 ق)، الطبعة الأولى، 1415 ق، دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع.
- 69 . المعجم الكبير، الطبراني، (360 ق) تحقيق حمدي السلفي، دار إحياء التراث العربي، بيروت لبنان
- 70 . معجم رجال الحديث، السيّد الخوئي، (411 ق)، الطبعة الخامسة، 413 ق، طبعة منقّحة ومزيدة.
- 71 . مكارم الأخلاق، الشيخ الطبرسي (548 ق) الطبعة السادسة، منشورات الشريف الرضي، قمّ.
- 72 . كتاب من لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، (381 ق)، تصحيح وتعليق: على أكبر الغفاري، الطبعة الثانية، مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرّسين، قمّ.
- 73 . ميزان الحكمة، محمّد الريشهري، تحقيق دار الحديث، الطبعة الأولى، دار الحديث.
- 74 . نصب الراية، كمال الدين الزيعلي (762 ق)، تحقيق أيمن صالح شعبان، دار الحديث القاهرة، مصر.
- 75 . نقد الرجال ، التنفرشي (القرن الحادي عشر)، الطبعة الأولى ، 1418 ق ، مؤسّسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث .
- 76 . نواذر الراوندي، فضل الله الراوندي، (571 ق)، تحقيق سعيد رضا على عسكري، الطبعة الأولى، دار الحديث، قمّ.
- 77 . نهج البلاغة، شرح: الشيخ محمّد عبده، الطبعة الأولى، 1412 ق، دار الذخائر، قمّ.
- 78 . وسائل الشيعة، الشيخ الحرّ العاملي، (1104)، الطبعة الثانية، 1414 ق، مؤسّسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قمّ.

نویسنده، کتب، ناشر

ارتباط با نویسنده

دوستان خوبم! دوست دارم نظر شما را درباره این کتاب بدانم، نظر شما، سرمایه من است.

پیامک خود را به سامانه پیام کوتاه من به شماره 30004569 بفرستید.

شما را دوست دارم و فقط به عشق شما می نویسم.

سامانه پیام کوتاه 30004569

سایت www.hasbi.ir

ایمیل khodamian@yahoo.com

درباره نویسنده

دکتر مهدی خُدامیان آرانی به سال 1353 در شهرستان آران و بیدگل اصفهان دیده به جهان گشود. وی در سال 1368 وارد حوزه علمیّه کاشان شد و در سال 1372 در دانشگاه علامه طباطبائی تهران در رشته ادبیات عرب مشغول به تحصیل گردید.

ایشان در سال 1376 به شهر قمّ هجرت نمود و دروس حوزه را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه داد و مدرک سطح چهار حوزه علمیّه قم (دکترای فقه و اصول) را اخذ نمود.

موفقیت وی در کسب مقام اوّل مسابقه جهانی کتاب رضوی بیروت در تاریخ 8/8/88 مایه خوشحالی هموطنانش گردید و اوّلین بار بود که یک ایرانی توانست در این مسابقات، مقام اوّل را کسب نماید.

بازسازی مجموعه هشت کتاب از کتب رجالیّ شیعه از دیگر فعالیت‌های پژوهشی این استاد است که فهارس الشیعه نام دارد، این کتاب ارزشمند در اوّلین دوره جایزه شهاب، چهاردهمین دوره کتاب فصل و یازدهمین همایش حامیان نسخ خطّی به رتبه برتر دست یافته است و در سال 1390 به عنوان اثر برگزیده سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه انتخاب شد.

دکتر خدّامیان هرگز جوانان این مرز و بوم را فراموش نکرد و در کنار فعالیت‌های علمی، برای آنها نیز قلم زد. او تاکنون بیش از 50 کتاب فارسی نوشته است که بیشتر آنها جوایز مهمّی در جشنواره‌های مختلف کسب نموده است. قلم روان، بیان جذاب و همراه بودن با مستندات تاریخی - حدیثی از مهمترین ویژگی این آثار می‌باشد.

آثار فارسی ایشان با عنوان «مجموعه اندیشه سبز» به بیان زیبایی‌های مکتب شیعه می‌پردازد و تلاش می‌کند تا جوانان را با آموزه‌های دینی بیشتر آشنا نماید. این مجموعه با همّت انشارات وثوق به زیور طبع آراسته شده است.

کتاب نویسنده

اشاره

کتاب فارسی

ناشر همه کتاب‌های فارسی، نشر وثوق می‌باشد.

این فهرست کتاب‌های چاپ شده تا سال 1392 می‌باشد.

رمان مذهبی

- 1 - مهاجر بهشت: حوادث روزهای پایانی زندگی پیامبر
- 2 - قصه معراج: حوادث و شگفتی‌های معراج پیامبر
- 3 - بانوی چشمه: زندگی حضرت خدیجه (س)
- 4 - فریاد مهتاب: زندگی حضرت زهرا (س)
- 5 - روشنی مهتاب: پاسخ به شبهات وهابیت - دفاع از حقیقت و ولایت
- 6 - سرزمین یاس: ماجرای بخشش فدک به فاطمه علیها السلام
- 7 - روی دست آسمان: عید غدیر
- 8 - سکوت آفتاب: شهادت حضرت امیر المومنین
- 9 - آرزوی سوم: ماجرای جنگ خندق
- 10 - فانوس اول: ماجرای شهادت مالک بن نویره
- 11 - الماس هستی: دهه امامت، غدیر خم.
- 12 - در قصر تنهایی: ماجرای صلح امام حسن علیه السلام
- 13-19: هفت شهر عشق: نگاهی نو به حماسه عاشورا (این کتاب در چاپ اول در هفت کتاب چاپ شد، در چاپ دوم به بعد در یک جلد چاپ شد).

- 20 - در اوج غربت: ماجرای شهادت مسلم بن عقیل
 کتاب «سلام بر خورشید» در موضوع امام حسین علیه السلام می باشد (شرح زیارت عاشورا).
- 21 - صبح ساحل: حوادث زندگی امام صادق علیه السلام
- 22 - لذت دیدار ماه: ثواب زیارت امام رضا علیه السلام
- 23 - داستان ظهور: زیبایی های ظهور امام زمان علیه السلام
- 24 - حقیقت دوازدهم: اثبات ولادت امام زمان علیه السلام
- 25 - آخرین عروس: داستان میلاد امام زمان علیه السلام
- کتاب «راهی به دریا» شرح زیارت آل یاسین می باشد و کتاب «گمگشته دل» در فضیلت انتظار ظهور نوشته شده است. این دو کتاب نیز در موضوع امام زمان علیه السلام می باشد.

آموزه های دینی

- 26 - خدای خوبی ها: خداشناسی، توحید ناب
- 27 - با من تماس بگیرید: راه و روش دعا کردن
- 28 - با من مهربان باش: مناجات با خدا
- 29 - خدای قلب من: مناجات با خدا
- 30 - تا خدا راهی نیست: سخنان خدا با پیامبران
- 31 - در آغوش خدا: زیبایی های مرگ مومن
- 32 - یک سبد آسمان: نگاهی به چهل آیه قرآن
- 33 - راهی به دریا: شرح زیارت آل یاسین معرفت امام زمان علیه السلام
- 34 - سلام بر خورشید: شرح زیارت عاشورا

- 35 - نردبان آبی: شرح زیارت جامعه، امام‌شناسی
- 36 - گمگشته دل: فضیلت انتظار ظهور
- 37 - آسمانی‌ترین عشق: فضیلت محبت به اهل بیت علیهم‌السلام
- 38 - همسر دوست داشتنی: زندگی زناشویی بهتر
- 39 - بهشت فراموش شده: احترام به پدر و مادر
- 40 - سمت سپیده: ارزش علم دانش
- 41 - چرا باید فکر کنیم: ارزش فکر و اندیشه
- 42 - لطفا لبخند بزنید: ارزش لبخند و شادمانی
- 43 - راز خشنودی خدا: آثار کمک کردن به مردم
- 44 - به باغ خدا برویم: فضیلت حضور در مسجد
- 45 - راز شکرگزاری: شکر نعمت‌های خدا
- 46 - فقط به خاطر تو: آثار اخلاص در عمل
- 47 - معجزه دست دادن: آثار دست دادن، ارتباط اجتماعی

کتاب عربی

- 49 - تحقیق «فهرست سعد» .
- 50 - تحقیق «فهرست الحمیری» .
- 51 - تحقیق «فهرست حمید» .
- 52 - تحقیق «فهرست ابن بطّة» .
- 53 - تحقیق «فهرست ابن الولید» .
- 54 - تحقیق «فهرست ابن قولویه» .
- 55 - تحقیق «فهرست الصدوق» .
- 56 - تحقیق «فهرست ابن عبدون» .

- 57 - تحقیق « آداب أمير المؤمنين » .
- 58 - الصحيح في فضل الزيارة الرضوية .
- 59 - الصحيح في البكاء الحسيني .
- 60 - الصحيح في فضل الزيارة الحسينية .
- 61 - الصحيح في كشف بيت فاطمه (س).
- 62 - صرخة النور.
- 63 - إلى الرفيق الأعلى.

نشر و ثوق

(ناشر همه کتاب‌های فارسی، نشر و ثوق می‌باشد).

انتشارات و ثوق از سال 1376 فعالیت خود را در حوزه نشر کتاب آغاز کرد و امروز بسیار خرسند است که قدمی هر چند کوچک در جهت ترویج تعالیم اسلام و پاسخ‌گویی به نیازهای فکری و فرهنگی نسل جوان کشور عزیزمان ایران برداشته و این توفیق الهی قرین راهش بوده که محققان و اندیشوران علم و ادب را همچنان از این دریای معرفت و بصیرت جرعه نوش کند.

چاپ و نشر بیش از 350 عنوان اثر در موضوعات مذهبی، اخلاقی، اجتماعی، فلسفه و کلام به صورت عمومی و تخصصی حاصل کوشش‌های این انتشارات است.

از جمله کارهای بسیار مهم و ارزشمند انتشارات و ثوق قرارداد مجموعه کتابهایی تحت عنوان اندیشه سبز می‌باشد که این قرارداد از ابتدای سال 1386 شروع شده است و تاکنون توانستم 48 عنوان کتاب تحت عنوان اندیشه سبز روانه بازار نمایم.

از ویژگی های مهم این مجموعه می توان به سادگی و روانی مطالب مذهبی با رویکرد داستان و رمان اشاره کرد که با توجه به مستند بودن مطالب و استفاده از منابع دست اول کتب شیعه و سنی با قلمی بسیار شیوا جوانان عزیز را جذب کرده و کلام ناب معصومین علیهم السلام را ترویج نماییم.

خرید کتاب های فارسی نویسنده

تلفکس: 0253-77 35 700-همراه: 0912 252 58 39-خرید

اینترنتی: سایت نشر وثوق: www.Nashrvosoogh.com

سامانه پیام کوتاه نشر وثوق 30004657735700

منابع

1. الإمام الصادق عليه السلام: «الكاذب على عياله كالمجاهد في سبيله»: الكافي ج 5 ص 88، كتاب من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 168، وسائل الشيعة ج 17 ص 67، مستدرک الوسائل ج 7 ص 378، بحار الأنوار ج 93 ص 324. 2. رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «إنَّ صبر المسلم في بعض مواطن الجهاد يوماً واحداً خير له من عبادة أربعين سنة»: مستدرک الوسائل ج 11 ص 21، شرح نهج البلاغة ج 10 ص 39. 3. رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «... إنَّ العمرة خير من الدنيا وما فيها...»: مجمع الزوائد ج 3 ص 74، المعجم الكبير ج 9 ص 44، كنز العمال ج 7 ص 601.

رسول لله صلى الله عليه وآله وسلم: «العمرة كفارة لكلِّ ذنب...»: كتاب من لا يحضره الفقيه ج 2 ص 220، وسائل الشيعة ج 14 ص 301. 4. رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «... من كان في خدمة عياله في البيت ولم يأنف، كتب الله اسمه في ديوان الشهداء... وكتب

له بكلّ قدم ثواب حجّة وعمره»: مستدرک الوسائل ج 13 ص 48 ، بحار الأنوار ج 132101 ، جامع أحاديث الشيعة ج 12 ص 403 ، جامع السعادات ج 2 ص 109. 5 . دخل رسول الله ﷺ على عليّ عليه السلام فوجده هو وفاطمة عليها السلام يطحنان في الجاروش ، فقال النبيّ: أيكما أعيب؟ فقال عليّ: فاطمة يا رسول الله ، فقال لها: قومي يا بنية. فقامت وجلس النبيّ موضعها مع عليّ فواساه في طحن الحبّ: بحار الأنوار ج 42 ص 51. 6 . إذا أردت زيارة الرضا عليه السلام بطوس فاغتسل عند خروجك عن منزلك وقل حين تغتسل: اللهمّ طهرني وطهر قلبي... وسرّ حتّى تقف على قبره عليه السلام وتستقبل وجهه بوجهك ، واجعل القبلة بين كتفيك ، وقل: أشهد أن لا إله إلاّ الله... وارزقني بهم خير الدنيا والآخرة»: عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 1 ص 302. 7 . رسول الله ﷺ: «...لا يخدم العيال إلاّ صديق أو شهيد أو رجل يريد الله به خير الدنيا والآخرة»: مستدرک الوسائل ج 13 ص 48 ، بحار الأنوار ج 101 ص 132 ، جامع أحاديث الشيعة ج 12 ص 403. 8 . رسول الله ﷺ: «قول الرجل للمرأة إنّي أحبّك لا يذهب من قلبها أبداً»: الكافي ج 5 ص 569 ، وسائل الشيعة ج 20 ص 23. 9 . رسول الله ﷺ: «جلوس المرء عند عياله أحبّ إلى الله تعالى من اعتكاف في مسجدي هذا»: ميزان الحكمة ج 2 ص 1186 نقلاً عن تنبيه الخواطر ج 2 ص 122. 10 . رسول الله ﷺ: «تهادوا تحابوا، تهادوا فإنّها تذهب بالضغائن»: الكافي ج 5 ص 144 ، الخصال ص 77 ، وسائل الشيعة ج 17 ص 287؛ رسول الله ﷺ: «تهادوا فإنّ الهدية تذهب وحر الصدر...»: فتح الباري ج 5 ص 145 ، عمدة القارى ج 13 ص 125 ، تحفة الاحوذى ج 6 ص 276 ، المعجم الأوسط ج 2 ص 146 ، نصب الراية ج 5 ص 256 ، مسند الشهاب لابن سلامة ج 1 ص 382. 11 . رسول الله ﷺ: «إذا خرج أحدكم إلى سفر ثمّ قدم على أهله

، فليهدهم وليطرفهم ولو حجارة»: مكارم الأخلاق ص 266. 12. رسول الله ﷺ: «إنَّ الصدقة لتطفئ غضب الرب...»: قرب الإسناد ص 76 ، النوادر للراوندى ص 83؛ الإمام الصادق عليه السلام: «إنَّ صدقة الليل تطفئ غضب الرب»: الكافي ج 94 ، تفسير العياشى ج 2 ص 108؛ رسول الله ﷺ: «الصدقة فى السرّ تطفئ غضب الرب»: المستدرک للحاكم ج 3 ص 568 ، صحيح ابن حبان ج 8 ص 103. 13. رسول الله ﷺ: «الصدقة تمنع سبعين نوعاً من أنواع البلاء...»: الجامع الصغير ج 2 ص 115 ، كنز العمال ج 6 ص 346 ، تاريخ بغداد ج 8 ص 204؛ رسول الله ﷺ: «الصدقة تمنع ميتة السوء...»: ثواب الأعمال ص 140 ، مكارم الأخلاق ص 378. 14. رسول الله ﷺ: «اكثرُوا الصدقة ترزقوا...»: أعلام الورى ص 333 ، بحار الأنوار ج 74 ص 176. 15. الإمام الصادق عليه السلام: «الصدقة تقضى الدين وتخلص بالبركة...»: الكافي ج 4 ص 9 ، عدّة الداعى ص 60 ، وسائل الشيعة ج 9 ص 367. 16. رسول الله ﷺ: «تبسّمك فى وجه أخيك صدقة...»: سنن الترمذى ج 3 ص 228 ، مجمع الزوائد ج 3 ص 134. 17. أمير المؤمنين عليه السلام: «الصدقة دواء منجح»: الدعوات للراوندى ص 181 ، نهج البلاغة ج 4 ص 4 ، دستور معالم الحكم ص 16. 18. سئل رسول الله ﷺ: أىّ الأعمال أحبّ إلى الله؟ قال: «اتباع سرور المسلم»: قرب الإسناد ص 145 ، وسائل الشيعة ج 16 ص 356. 19. الإمام الباقر عليه السلام: «ما عبّد الله بشيء أحبّ إلى الله من إدخال السرور على المؤمن...»: الكافي ج 2 ص 188؛ الإمام الباقر عليه السلام: «إنَّ أحبّ الأعمال إلى الله إدخال السرور على المؤمن...»: المحاسن ج 2 ص 388 ، بحار الأنوار ج 71 ص 289؛ الإمام الصادق عليه السلام: «... وأفضل الأعمال عند الله إدخال السرور على المؤمن...»: كامل الزيارات ص 277. 20. الإمام الباقر عليه السلام: قال

رسول الله ﷺ: «من سرّ مؤمناً فقد سرّني». فقه الرضا عليه السلام ص 374 ، الكافي ج 2 ص 188 ، وسائل الشيعة ج 16 ص 349. 21 . الإمام الصادق عليه السلام: «لا يرى أحدكم إذا أدخل على مؤمن سروراً أنّه عليه أدخله فقط ، بل والله على رسول الله ﷺ: الكافي ج 2 ص 189 ، وسائل الشيعة ج 16 ص 350 ، بحار الأنوار ج 71 ص 290. 22 . الإمام الصادق عليه السلام: «من أدخل السرور على مؤمن ، فقد أدخله على رسول الله ﷺ ... وكذلك من أدخله كرباً»: الكافي ج 2 ص 192 ، وسائل الشيعة ج 16 ص 350 ، مستدرک الوسائل ج 17 ص 395. 23 . الإمام الباقر عليه السلام: «إذا دخلت فمرهم قبل أن تصل إليك أن تكون متوضّئاً ، ثم أنت لا تصل إليها حتّى تتوضّأ وتصلّي ركعتين ، ثمّ مجدّد الله وصلّ على محمّد وآل محمّد ، ثمّ ادعُ الله ، ومرّ من معها أن يؤمّنوا على دعائك ، وقل: اللهمّ ارزقني ألفها وودّها ورضاها ، ورضني بها ، ثمّ اجمع بيننا بأحسن اجتماع وأسرّ ائتلاف...»: الكافي ج 3 ص 481 ، دعائم الإسلام ج 2 ص 211 ، وسائل الشيعة ج 8 ص 144. 24 . رسول الله ﷺ: «يفتح أبواب السماء بالرحمة في أربع مواضع: عند نزول المطر ، وعند نظر الولد فيوجهه الوالد ، وعند فتح باب الكعبة ، وعند النكاح»: مستدرک الوسائل ج 14 ص 152 ، بحار الأنوار ج 56 ص 354. 25 . الإمام الصادق عليه السلام: «ما أظنّ رجلاً يزداد في الإيمان خيراً إلّا ازداد حبّاً للنساء»: الكافي ج 5 ص 32 ، كتاب من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 384 ، وسائل الشيعة ج 20 ص 22. 26 . الإمام الصادق عليه السلام: «ما أظنّ رجلاً يزداد في هذا الأمر خيراً إلّا ازداد حبّاً للنساء»: الكافي ج 5 ص 321؛ الإمام الصادق عليه السلام: «كلّ من اشتدّ لنا حبّاً اشتدّ للنساء حبّاً...»: مستطرفات السرائر ص 636 ، بحار الأنوار ج 63 ص 287. 27 . الإمام الصادق عليه السلام: «إنّ النبيّ ﷺ صلّى على سعد بن معاذ وقال: وافى من الملائكة

تسعون ألف ملك وفيهم جبرئيل...»: الأماي للطوسي ص 437. 28. رسول الله ﷺ: «اهترّ عرش الرحمان لموت سعد بن معاذ»: صحيح البخاري ج 2274 ، صحيح مسلم ج 7 ص 150 ، مسند أبي يعلى ج 5 ص 329 ، الغدير ج 10 ص 43. 29. الإمام الصادق عليه السلام: «إن سعد بن معاذ قد مات ، فقام رسول الله وقام أصحابه ، فأمر بغسل سعد... فتبعه بلا حذاء ولا رداء... ثم كان يأخذ يمينه السرير مرة ، ويسرة السرير مرة ، حتى انتهى إلى القبر ، فنزل رسول الله حتى لحده... فلما أن سوى التربة عليه قالت أم سعد: يا سعد، هنيئاً لك الجنة، فقال رسول الله: يا أم سعد مه! لا تجزى على ربك، فإن سعداً قد أصابه ضمة... إنه كان في خلقه مع أهله سوء»: الأماي للصدوق ص 468 ، الأماي للطوسي ص 428 ، بحار الأنوار ج 79 ص 49. 30. «إن رسول الله ﷺ خرج في جنازه سعد وقد شيّعه سبعون ألف ملك ، فرفع رسول الله رأسه إلى السماء ثم قال: مثل سعد يضم؟... إنما كان من زعارة في خلقه على أهله...»: الكافي ج 3 ص 236؛ الإمام الصادق عليه السلام: «إن سعد بن معاذ قد مات فقام رسول الله وقام أصحابه ، فأمر بغسل سعد... فتبعه بلا حذاء ولا رداء... فلما أن سوى التربة عليه قالت أم سعد: يا سعد ، هنيئاً لك الجنة ، فقال رسول الله: يا أم سعد مه! لا تجزى على ربك ، فإن سعداً قد أصابه ضمة... إنه كان في خلقه مع أهله سوء»: الأماي للصدوق ص 468 ، الأماي للطوسي ص 428 ، بحار الأنوار ج 79 ص 49. 31. برای شرح حال سعد بن معاذ مراجعه كنيد: رجال الطوسي ص 40 ، رجال ابن داود ص 168 ، نقد الرجال ج 1 ص 382 ، معجم رجال الحديث ج 9 ص 94 ، تهذيب التهذيب ج 1 ص 345 ، الثقات لابن حبان ج 3 ص 147 ، تهذيب الكمال ج 10 ص 300 ، الإصابة ج 3 ص 70.

32. الإمام السجّاد عليه السلام: «لأن أدخل السوق ومعى درهم ابتاع به لحماً لعيالى وقد قرموا إليه ، أحبّ إلىّ من أن أعتق نسمة...»: الكافى ج 4 ص 12 ، بحار الأنوار ج 21 ص 534. 33. رسول الله ﷺ: «أيّها الناس، من فطر منكم صائماً مؤمناً فى هذا الشهر ، كان له بذلك عند الله عتق نسمة...»: الأمالى للصدوق ص 154 ، فضائل الأشهر الثلاثة ص 78 ، روضة الواعظين ص 345 ، إقبال الأعمال ج 1 ص 26 ، بشارة المصطفى ص 436. 34. رسول الله ﷺ: «من دخل السوق فاشتري تحفة فحملها إلى عياله ، كان كحامل صدقة إلى قومٍ محاويج...»: الأمالى للصدوق ص 672 ، ثواب الأعمال ص 201 ، وسائل الشيعة ج 21 ص 514. 35. رسول الله ﷺ: «... من كان له امرأة تؤذيه لم يتقبّل الله صلاتها ولا حسنة من عملها حتّى تعينه وترضيه... وعلى الرجل مثل ذلك الوزر والعذاب إذا كان لها مؤذياً ظالماً...»: ثواب الأعمال ص 284 ، وسائل الشيعة ج 20 ص 163 ، بحار الأنوار ج 73 ص 363 ، الفصول المهمّة ج 2 ص 337. 36. «أخبرنى أخى جبرئيل ولم يزل يوصنى بالنساء ، حتّى ظننت أن لا يحلّ لزوجها أن يقول لها: أفّ». جامع أحاديث الشيعة ج 20 ص 249. 37. «فاشفقوا عليهنّ وطيبوا قلوبهنّ حتّى يقفن معكم ، ولا تكرهوا النساء ولا تسخطوا بهنّ»: جامع أحاديث الشيعة ج 20 ص 249 ، مستدرک الوسائل ج 14 ص 253. 38. رسول الله ﷺ: «خيركم خيركم لأهله...»: كتاب من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 555 ، مكارم الأخلاق ص 216 ، سنن ابن ماجه ج 1 ص 633 ، سنن الترمذى ج 5 ص 369 ، الطبقات الكبرى ج 8 ص 205 ، أسد الغابة ج 5 ص 281 ، البداية والنهاية ج 10 ص 163. 39. الإمام الصادق عليه السلام: «... من حسن برّه بأهل بيته ، مدّ له فى عمره»: الكافى ج 2 ص 105 ، الأمالى للطوسى ص 245 ، الدرّ النظيم ص 639. 40. أمير المؤمنين

عليه السلام: «... وإنهن أمانة الله عندكم...»: مستدرک الوسائل ج 14 ص 251 ، جامع
أحاديث الشيعة ج 20 ص 248. 41 . رسول الله ﷺ: «حق المرأة على
زوجها أن يسد جوعتها ، ويستر عورتها ، ولا يقبح لها وجهاً»: الكافي ج 5 ص
511 ، تهذيب الأحكام ج 7 ص 457. 42 . أمير المؤمنين عليه السلام: «... فإن المرأة
ريحانة وليست بقهرمانة...»: نهج البلاغة ج 3 ص 56 ، الكافي ج 5 ص 51 ،
كتاب من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 556 ، تحف العقول ص 87 ، كنز الفوائد
ص 177 ، مكارم الأخلاق ص 218 ، عيون الحكم والمواعظ 526 ، كنز العمال
ج 16 ص 183. 43 . والريحانة: كل بقل طيب الريح ، واحدته ريحانة: لسان
العرب ج 2 ص 458 ، الريحان: نبت طيب الرائحة: تاج العروس ج 4 ص 61 ،
القاموس المحيط ج 1 ص 224 ، مجمع البحرين ج 2 ص 246. 44 . قال أمير
المؤمنين عليه السلام في وصيته لابنه محمد ابن الحنفية: «يا بني... فدارها على كل
حال، وأحسن الصحبة لها ليصفو عيشك»: كتاب من لا يحضره الفقيه ج 3 ص
556 ، وسائل الشيعة ج 20 ص 169. 45 . أمير المؤمنين عليه السلام: «... وإنهن
أمانة الله عندكم...»: مستدرک الوسائل ج 14 ص 251 ، جامع أحاديث الشيعة
ج 20 ص 248. 46 . رسول الله ﷺ: «إنك إن شاء الله لن تنفق نفقة إلا
أجرت ، حتى اللقمة ترفعها إلى في امرأتك»: السنن الكبرى ص 377.

«ومهما أنفقت فهو لك صدقة ، حتى اللقمة ترفعها في في امرأتك»: صحيح
البخاري ج 6 ص 189 ، مسند أحمد ج 1 ص 172 ، سنن أبي داود ج 1 ص
654 ، السنن الكبرى ج 6 ص 269. 47 . «رأيت أبا الحسن عليه السلام اختضب،
فقلت: جعلت فداك ، اختضبت؟ فقال: نعم، إن التهيئة مما يزيد في عفة النساء ،
ولقد ترك النساء العفة بترك أزواجهن التهيئة، ثم قال: أيسرّك أن تراها على ما
تراك عليه إذا أنت على غير التهيئة؟ قلت: لا، قال: هو ذاك...»: الكافي ج

5675، وسائل الشيعة ج 20 ص 246، مكارم الأخلاق ص 79، الحقائق الناضرة ج 23 ص 150. 48. الإمام الصادق عليه السلام: «كان رسول الله ينفق في الطيب أكثر مما ينفق في الطعام...»: الكافي ج 6 ص 512، وسائل الشيعة ج 2 ص 146، ميزان الحكمة ج 2 ص 1756. 49. الإمام الصادق عليه السلام: «سألت أم سلمة رسول الله عن فضل النساء في خدمة أزواجهن؟ فقال: أيما امرأة رفعت من بيت زوجها شيئاً من موضع إلى موضع تريد به صلاحاً إلا نظر الله إليها...»: الأمالي للطوسي ص 618، بحار الأنوار ج 100 ص 251. 50. جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقال: «إن لي زوجة إذا دخلت تلقني، وإذا خرجت تشيعني، وإذا رأتني مهموماً قالت: ما يهكم؟ إن كنت تهتم لرزقك فقد تكفل لك به غيرك، وإن كنت تهتم بأمر آخرتك فزادك الله همّاً، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: إن لله عمالاً، وهذه عماله، لها نصف أجر الشهيد»: كتاب من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 389، وسائل الشيعة ج 20 ص 32. 51. «قالت أم سلمة: يا رسول الله، ذهب الرجال بكل الخير، فأى شيء للنساء المساكين؟ فقال صلى الله عليه وآله وسلم: بلى، إذا حملت المرأة كانت بمنزلة الصائم المجاهد بنفسه وماله في سبيل الله، فإذا وضعت كان لها من الأجر ما لا يدري أحد ما هو لعظمه، فإذا أرضعت كان لها بكل مصّة كعدل عتق محرّر من ولد إسماعيل...»: وسائل الشيعة ج 21 ص 451. 52. الإمام الرضا عليه السلام: «من تصدّق وقت إفطاره على مسكين برغيف، غفر الله له ذنبه، وكتب له ثواب عتق رقبة من ولد إسماعيل»: فضائل الأشهر الثلاثة ص 96، وسائل الشيعة ج 10 ص 316. 53. دعائم الإسلام ج 1 ص 343، مستدرک الوسائل ج 11 ص 21، مسند أحمد بن حنبل ج 5 ص 314، الدر المنثور ج 1 ص 245. 54. أمير المؤمنين عليه السلام: «كتب الله الجهاد على الرجال والنساء، فجهاد الرجل بذل ماله ونفسه حتّى يُقتل في سبيل

الله ، وجهاد المرأة أن تصبر على ما ترى من أذى زوجها وغيرته». وفي حديث آخر: «جهاد المرأة حسن التبعل...»: الكافي ج 5 ص 9 ، كتاب من لا يحضره الفقيه ج 3 ص 439؛ رسول الله ﷺ: «الحجّ جهاد كلّ ضعيف ، وجهاد المرأة حسن التبعل»: الخصال ص 62 ، كشف الخفاء ج 1 ص 35 ، لسان الميزان ج 1 ص 168. 55 . الإمام الباقر ع: «لا ينبغي لامرأة أن تعطل نفسها من الحلّى ، ولو ان تعلّق في رقبتها قلادة»: دعائم الإسلام ج 2 ص 163. 56 . الإمام الصادق ع: «خير نسائكم الطيبة الريح...»: الكافي ج 5 ص 325 ، تهذيب الأحكام ج 7 ص 402 ، وسائل الشيعة ج 20 ص 30. 57 . الإمام الصادق ع: «جاءت امرأة إلى رسول الله ﷺ فقالت: يا رسول الله ، ما حقّ الزوجة على؟؟ المرأة؟... عليها أن تتطيب بأطيب طيبها ، وتلبس أحسن ثيابها ، وتتزين بأحسن زينتها ، وتعرض نفسها عليه غداة وعشية...»: الكافي ج 5 ص 508. 58 . الإمام الصادق ع: «أيما امرأة تطيّبت لغير زوجها لم يتقبل منها صلاة...»: الكافي ج 5 ص 507؛ رسول الله ﷺ: «أيما امرأة تتطيّب ثمّ خرجت من بيتها فهي تلعن حتّى ترجع إلى بيتها متى رجعت»: ثواب الأعمال ص 259 ، وسائل الشيعة ج 20 ص 221 ، بحار الأنوار ج 100 ص 255. 59 . قال ع: «ثلاث من النساء يرفع الله عنهنّ عذاب القبر ويكون محشرهنّ مع فاطمة بنت محمّد ع ، امرأة صبرت على غيرة زوجها ، وامرأة صبرت على سوء خلق زوجها... يعطى الله كلّ واحدة منهنّ ثواب ألف شهيد ، ويكتب لكلّ واحدة منهنّ ثواب عبادة سنة»: وسائل الشيعة ج 21 ص 285 ، جامع أحاديث الشيعة ج 21 ص 256. 60 . الإمام الصادق ع: «إنّ للقبر كلاماً في كلّ يوم ، يقول: أنا بيت الغربة ، أنا بيت الوحشة ، أنا بيت الدود ، أنا روضة من رياض الجنّة ، أو حفرة من حفر النار»: الكافي ج 3 ص 242 ، بحار الأنوار ج 6 ص 267. 61 .

الإمام الباقر عليه السلام: «... ولا شفيع للمرأة أنجح عند ربها من رضا زوجها ، ولما ماتت فاطمة عليها السلام ، قام عليها أمير المؤمنين عليه السلام وقال: اللهم إني راضٍ عن ابنة نبيك، اللهم إنها قد أوحشت فآنسها، اللهم إنها قد هاجرت فصلها...»: الخصال ص 588 ، وسائل الشيعة ج 20 ص 222 ، بحار الأنوار ح 78 ص 345. 62 . الإمام الصادق عليه السلام: «... لا تزورون خير من أن تزورون، قال: قطعت ظهري، قال: تالله إن أحدكم ليذهب إلى قبر أبيه كئيباً حزيناً وتأتونه أنتم بالسفر، كلاً حتى تأتونه شعناً غبراً»: كامل الزيارات ص 250 ، المزار لابن المشهد ص 396 ، بحار الأنوار ج 98 ص 141. 63 . قالت أم سلمة: «يا رسول الله ذهب الرجال بكل الخير ، فأى شيء للنساء المساكين؟ فقال صلى الله عليه وسلم: بلى، إذا حملت المرأة كانت بمنزلة الصائم... فإذا فرغت من رضاعه ضرب ملك كريم على جنبها وقال: استأنفى العمل فقد غفر لك»: وسائل الشيعة ج 21 ص 451. 64 . قال عليه السلام: «ما من امرأة تسقى زوجها شربة من ماء ، إلا كان خيراً لها من عبادة سنة صيام نهاراً وقيام ليلها»: وسائل الشيعة ج 20 ص 172 ، جامع أحاديث الشيعة ج 20 ص 235. 65 . برای اطلاع از آثار گناهان مراجعه کنید به: وسائل الشيعة، ج 16 ، ص 45 ، بحار الأنوار، ج 73 ، ص 304. 66 . قال عليه السلام: «ما من امرأة تسقى زوجها شربة من ماء ، إلا كان خيراً لها من عبادة سنة... غفر لها ستين خطيئة»: وسائل الشيعة ج 20 ص 172 ، جامع أحاديث الشيعة ج 20 ص 235. 67 . مراجعه کنید به: «زنان ونوسی ومردان مریخی» ، نوشته: جان گری ، ترجمه بهمن ربیعی ، انتشارات خوشه ، تهران ، 1378. 68 . الإمام الصادق عليه السلام: «خير نسائكم التي إذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحياء ، وإذا لبست، لبست معه درع الحياء»: الكافي ج 5 ص 324 ، وسائل الشيعة ج 20

ص 29، 69 . رسول الله ﷺ : «العفيفة في فرجها ، الغلطة على زوجها...»:
النوادر للراوندى ص 116 ، بحار الأنوار ج 100 ص 237.

3	 مقدمه
5	 فصل اول: بهترین مرد دنیا
6	 تو داری در راه خدا جهاد می‌کنی!
8	 آیا خواهی ثواب حج و عمره به تو بدهند؟
10	 خدایا، خیر دنیا و آخرت را به من بده!
12	 همسر عزیزم، دوستت دارم!
16	 هدیه دادن را فراموش نکن!
18	 با لبخند می‌توانی بلا را از خود دور کنی؟
23	 خدایا، مهر همسرم در دلم قرار ده!
26	 از کجا بفهمم ایمانم کامل‌تر شده است؟
28	 نود هزار فرشته از کجا آمده‌اند؟
30	 این لیست را بگیر و خرید کن!
32	 کاری نکنی که نمازت قبول نشود!
35	 با همسر خود مهربان باشید!
41	 چگونه همسرتان به شما امتیاز می‌دهد؟
45	 وقتی که همسرت احساس ناامیدی می‌کند
50	 چند پیشنهاد برای آقایان
55	 فصل دوم: بهترین زن دنیا
55	 آیا می‌خواهی خدا به تو نظر کند؟
57	 خانمی که کارگزار خدا بود
58	 چرا همه خوبی‌ها برای مردان است؟
59	 آیا می‌خواهی ثواب رزمندگان را داشته باشی؟

61	آرایش کردن برای شوهر
66	ثواب هزار شهید می خواهی ؟
67	آیا زنان از ثواب شهادت بی بهره اند؟
72	آیا تا به حال کربلا رفته ای؟
76	بهترین راه آمرزش گناهان
80	سکوت شوهرت را درست معنی کن !
84	چند پیشنهاد برای خانم ها
88	منابع
93	نویسنده، کتب، ناشر
93	درباره نویسنده
95	کتب نویسنده